

نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در جنوب استان کرمان

مسلم سواری^{۱*}، حامد اسکندری دامنه^۲

۱- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، ملائانی، ایران
۲- دانشجوی دکتری بیابان‌زدایی، دانشکده‌ی منابع طبیعی، دانشگاه تهران، کرج، ایران

دریافت: ۹۷/۱۰/۲۸..... پذیرش: ۹۸/۲/۳۰

چکیده

هدف کلی این پژوهش، نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی است. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی روستاییان شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد در جنوب استان کرمان است (N=75819). با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۲ نفر از آن‌ها با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای با انتساب متناسب برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط پانل متخصصان و پایایی آن به‌وسیله‌ی ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha > 0.7$). تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌وسیله‌ی نرم‌افزار SPSS_{win18} انجام شد. نتایج نشان داد که خانوارهای روستایی مورد مطالعه از نظر مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی در وضعیت نامساعد و از نظر مؤلفه‌های توانمندسازی در وضعیت نسبتاً مساعدی قرار دارند. همچنین، نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری بین مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی با توانمندسازی وجود دارد. نتایج رگرسیون نیز نشان داد که ۸۵/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک تحقیق (توانمندسازی) توسط متغیرهای پیش‌بین تحقیق، یعنی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی (مشارکت در هدفگذاری، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در کاهش اثرات و مشارکت در تغییر و تحول) قابل پیش‌بینی است.



علاوه‌براین، نتایج تحلیل عاملی محدودیت‌های مشارکتی در بین جوامع محلی را در عامل‌های موانع انگیزشی و نیازسنجی، موانع اقتصادی و اعتمادی، موانع برنامه‌ریزی، موانع ارتباطی و آموزشی و موانع اطلاع‌یابی خلاصه کرد.

کلمات کلیدی: مدیریت مشارکتی، توانمندسازی، خشکسالی، جوامع روستایی، توسعه‌ی پایدار.

۱- مقدمه

شاخص بحران آب در ایران، به دلیل قرار گرفتن در منطقه‌ی خشک و نیمه‌خشک، به مراتب نامطلوب‌تر از سطح دنیا است؛ در حالی که تقریباً یک درصد از جمعیت جهان در ایران زندگی می‌کنند و سهم آن‌ها از کل منابع آب شیرین تجدیدشونده‌ی دنیا فقط ۰/۳۶ درصد است. از سوی دیگر، جهان فقط از ۴۵ درصد منابع مطلوب خود استفاده کرده و کشور ما حدود ۶۶ درصد ذخایر آب شیرین خود را مصرف نموده است (خورانی و خواجه، ۱۳۹۳: ۵۸-۷۹). همچنین، ایران به دلیل قرار گرفتن در کمربند خشکی جغرافیایی، از مناطق آب و هوایی کم‌باران جهان به‌شمار می‌رود و دارای اقلیمی خشک و نیمه‌خشک است (Mohammadi & yeganeh et-al, 2012: 27-38). بنابراین، به دلیل موقعیت جغرافیایی و شرایط اقلیمی، در بسیاری از نقاط ایران، خشکسالی یک تهدید حتمی است (Chakoshi, 2009: 25). خشکسالی به دلیل کمبود بارش در دوره‌ای بلندمدت رخ می‌دهد و برخلاف سایر حوادث، پدیده‌ای بطنی و خزنده است که به تدریج محیط را تسخیر می‌کند و به یک بلای طبیعی تبدیل می‌شود؛ اما چون به تدریج رخ می‌دهد، برای مردم و مسئولین نامحسوس است و کمتر به آن توجه می‌کنند (فنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۲۰۰). با نگاهی به اثرات خشکسالی درمی‌یابیم که این پدیده از جوانب مختلف بر زندگی جوامع روستایی تأثیرگذار است (Pourtaheri & et-al, 2013: 1-22). خشکسالی کمبود بارش در دوره‌ی طولانی و ممتد از زمان است و مسئولان باید بکوشند راه‌حل‌های جدیدی برای غلبه بر چالش‌های پیش‌روی مناطق خشک، به‌ویژه در زمان خشکسالی و کم‌آبی، ارائه کنند (Solh & Ginkel, 2014: 62-66). مطالعات نشان می‌دهند که در بیشتر سال‌ها، پدیده‌ی خشکسالی برخی از نقاط یا حتی کل کشور را دربرگرفته است و امکان جلوگیری از آن در هیچ منطقه و شرایطی وجود ندارد (حیدری ساریان و باختر، ۱۳۹۴: ۱۹-۳۴). از آنجا که شعاع تأثیر این بلیه‌ی طبیعی در روستاها بیش از سایر نقاط است، کشاورزان نخستین گروه آسیب‌پذیر به‌شمار می‌روند (شرفی و زرافشانی، ۱۳۹۰)؛ زیرا کشاورزی وابستگی شدیدی به منابع آبی دارد (علوی‌زاده و ایزدی، ۱۳۹۷: ۱۸۲-۲۰۲). یکی از اقدامات

شایسته برای کاهش اثرات منفی ناشی از خشکسالی، بهره‌گیری از هرگونه اثرات مثبت تمرکز بر سازگاری و توانمندسازی جوامع محلی است (Asseng & et-al, 2015: 505-546). توانمندسازی جوامع محلی می‌تواند با آگاهی مناسب، اقدام به اتخاذ تصمیمی مناسب و تمایل برای حل مشکلات ناشی از خشکسالی عنوان کرد (Hyland & et-al, 2015: 1-17). لذا با توجه به ناکارآمدی شیوه‌ی مدیریت خشکسالی در کشور، یافتن رویکردی که آسیب‌های ناشی از ناامنی اجتماعی (مهاجرت، فقر، انزوا و ...)، ناامنی محیطی (کمبود آب، فرسایش خاک و ...) و ناامنی اقتصادی (بیکاری، کمبود سرمایه و ...) را برطرف کند و به بهبود توانایی مقابله با پدیده‌های نامطلوب خشکسالی منجر شود، اهمیت فراوان دارد (Sharafi & Zarafshani, 2012: 43-56).

۲- بیان مسئله

ایران سالانه به‌دلیل بروز تغییرات اقلیمی، متحمل خسارات قابل توجهی می‌شود. براساس گزارش پژوهش‌کننده‌ی اقلیم‌شناسی ایران، اثرات ناشی از ریسک‌های اقلیمی باعث وارد آمدن خسارات چشمگیری بر بخش کشاورزی می‌شود (گل محمدی، ۱۳۹۱: ۳۱۵-۳۲۶). تأثیرات ناشی از تغییرات اقلیمی در بخش‌های مختلف (اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و ...) کشور، آشکارا دیده است (Ifeanyi-obi & et-al, 2012: 53-60; Kurukulasuriya & et-al, 2006: 13-28; Tavakolinia & et-al, 2016: 367-388). خشکسالی یکی از خطرناک‌ترین پدیده‌های اقلیمی تأثیرگذار بر معیشت جوامع روستایی است (Calvosa & et-al, 2009) و به‌عنوان یکی از بلایای فاجعه‌بار جهانی محسوب می‌شود که هر ساله بر زندگی بسیاری از مردم جهان اثر می‌گذارد (Road Transport, 2012: 25; Xiao-chen & et-al, 2013: 879-900). خشکسالی اثرات فراوانی بر زندگی و ساختار اجتماعی، اقتصادی و محیطی دارد و در جوامعی که اقتصاد آنان بر کشاورزی مبتنی است، به‌صورت کاهش تولید مواد غذایی، به‌دلیل کاهش سطح زیرکشت و عملکرد محصولات ظاهر می‌شود. اصلی‌ترین دلیل کاهش میزان اشتغال و سطح درآمد، کاهش سطح زیرکشت و کاهش عملیات کاشت و برداشت است. در زمان خشکسالی، در نتیجه‌ی کاهش تولیدات غذایی، قیمت مواد غذایی معمولاً به‌صورت سریع افزایش می‌یابد (کشاورز و کرمی، ۱۳۸۸؛ عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳-۳۱). بنابراین، خشکسالی در نواحی روستایی که معیشت اکثر مردم کشاورزی و نهاده‌ی اصلی آن آب است، تأثیر دوچندان دارد؛ به‌طوری که به تخریب و نابودی اقتصاد روستایی و مهاجرت روستایی، کاهش منابع کشاورزی، کاهش امنیت و سلامت خانواده و تخریب کیفیت زندگی روستایی منجر



می‌شود (Howitt & et-al, 2017: 521). بیشتر خشکسالی‌ها در کشورهای درحال توسعه رخ می‌دهند و بالتبع سطح توانمندی کشاورزان برای مقابله با این بلیه‌ی طبیعی درمقایسه با کشورهای توسعه‌یافته بسیار پایین است (Ju & et-al, 2013: 340-349; Jia & et-al, 2016: 313-324). بنابراین، خشکسالی و پیامدهای نامطلوب آن برای منابع طبیعی، تولیدات کشاورزی، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی یکی از چالش‌های اساسی ایران و سایر مناطق مستعد خشکسالی است و باتوجه به فراوانی وقوع و گستره‌ی قابل‌توجه خشکسالی، سازکارهای جهت‌دار برای مقابله با آن ضروری است (Tavakolinia & et-al, 2016: 13-28). با افزایش آسیب‌های ناشی از خشکسالی در بخش اقتصادی و اجتماعی، مدیریت خشکسالی یکی از چالش‌های مهم در سراسر جهان محسوب می‌شود (He & et-al, 2018: 155-166). با مرور برنامه‌های مدیریت دولتی و نهادی خشکسالی، روشن می‌شود که برنامه‌های مقابله با خشکسالی تاکنون موفقیت چندانی نداشتند و تا زمانی‌که جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌ها و درنهایت در عمل و اجرا مشارکت نداشته باشند، موفقیتی به‌دست نمی‌آید (Aliani, 2015: 69-80; Varela-Ortega & et-al, 2016: 59-70; Fazey & et-al, 2018: 217-197). به‌دلیل بهره‌نبردن دست‌اندرکاران بیرونی از مشارکت جوامع محلی در مقابله با خشکسالی و بالتبع، سطح توانمندی ضعیف خانوارهای روستایی در مقابله با آن، اثر این بلیه‌ی طبیعی دوچندان شده و جوامع محلی روزبه‌روز ناپایدارتر شده‌اند (Cremades & et-al, 2015: 399-410; Al-Subaiee & et-al, 2013: 1337-1345). بنابراین، شدت اثرات خشکسالی بر جوامع محلی باتوجه به نوع مدیریت آن متفاوت خواهد بود (Adalat Gostar & et-al, 2010: 127). در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای درحال توسعه، نگرش غالب بر همه‌ی فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در مواجهه با خشکسالی، رویکرد مدیریت بحران است (Ghseminejad & et-al, 2014: 214). در بحث مدیریت بحران خشکسالی، اقدامات در راستای تشخیص نواحی بحران‌زده و امدادسانی به آن‌ها است که بسیار پرهزینه و ناگهانی هستند (نسب‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۳-۱۲). در الگوهای جدید مقابله با خشکسالی، تغییر چشمگیری در نگرش به سوانح دیده می‌شود؛ به‌طوری‌که از واکنش‌پذیری و تک‌عاملی (دولت‌محور) به‌سمت بازدارندگی و مشارکت تغییر کرده‌اند (Turner, 2010: 570-576). به همین دلیل، مدیریت خشکسالی به شناخت درست کنشگرانی وابسته است که در فرآیند خشکسالی درگیر هستند و از آن تأثیر می‌گیرند (Bodin & Prell, 2010: 218). مدیریت مشارکتی موجب درک عوامل و شرایطی می‌شود که افزایش روابط و همکاری بین نهادها و بخش‌های مختلف برای تبادل اطلاعات و و دانش را در پی دارد و درنهایت، بر توانمندسازی کشاورزان اثرات دوچندانی

می‌گذارد (Hollmann & et-al, 2013: 1541-1552). مشارکت مدنی افراد و حمایت‌های اجتماعی به سلامت اجتماعی و افزایش تاب‌آوری در مقابله با خشکسالی و درنهایت، افزایش توانمندسازی منجر می‌شود (Wikstrom, 2013). در این زمینه، برای سازگاری و توانمندسازی کشاورزان، تلاش‌های بسیاری شده است. طبق پژوهش‌های انجام‌شده، موفقیت تلاش‌ها برای توانمندسازی معمولاً به مدیریت مشارکتی آنان بستگی دارد (Mubaya & Mafongoya, 2017: 93-105)؛ زیرا شیوه‌های مقابله با خشکسالی در هر منطقه متفاوت است و اثرات خشکسالی به زمان و مکان بستگی دارد و در نتیجه، برای مدیریت آن، مشارکت جوامع محلی اهمیت دوچندانی دارد (Mardy, 2018: 23).

۳- ادبیات نظری تحقیق

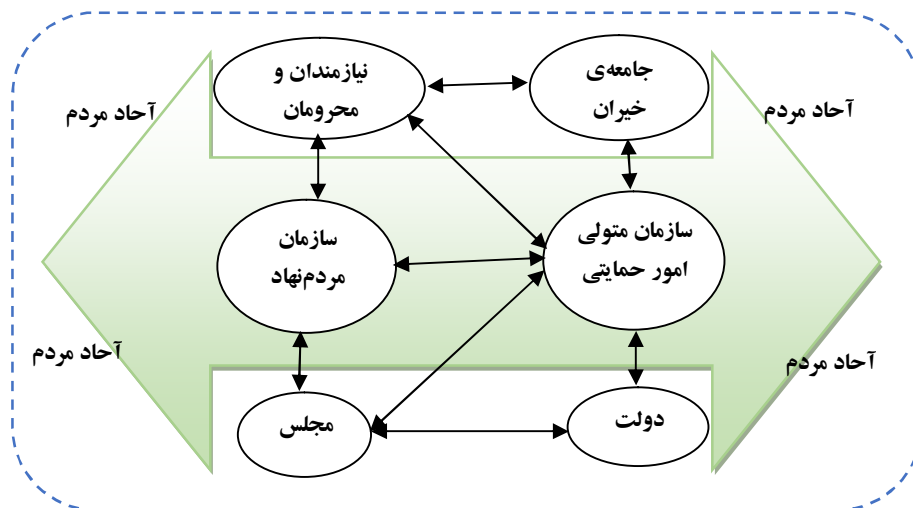
۳-۱- توانمندسازی

بند هشتم برنامه‌ی توسعه‌ی هزاره، به مبحث توانمندسازی اختصاص یافته است و ۱۸۹ کشور جهان (از جمله ایران) به انجام آن متعهد شده‌اند (Upadhyay & et-al, 2014: 11-120). هدف اکثر برنامه‌ها بهبود وضعیت فقرا و توانمندسازی آن‌ها در سطح جهان بود (Diirro & et-al, 2018: 1-27). در ادبیات، تعریف واحدی از توانمندسازی وجود ندارد و تعریف آن به موقعیت و افراد بستگی دارد. این واژه در فرهنگ آکسفورد، به معنای قدرتمند شدن، مجوز دادن و قدرت بخشیدن است (Huang, 2017: 1157-1165). برای این واژه، در فرهنگ‌های مختلف معانی متفاوتی وجود دارد و مترادف با واژه‌های توانایی، رشد، پیشرفت، اصلاح و بهبود، چیرگی و تسلط است (Sharma & Gupta, 2017: 12-19). در تارنمای بانک جهانی، توانمندسازی فرآیند افزایش ظرفیت افراد و گروه‌ها برای انجام انتخاب‌ها، دگرگونی انتخاب‌هایشان در برابر کنش‌ها و برآیندهای مطلوب است (World Bank, 2015: 158). محققان توانمندسازی عواملی نظیر ارتباط با دیگران، دسترسی به اطلاعات، مسئولیت‌پذیری و رضایت شغلی، گسترش تشکلهای خودجوش در جوامع محلی و طرز فکر خلاق و نوآور را از عوامل اساسی توانمندسازی می‌دانند (Antonio & et-al, 2014: 251-257). در واقع، توانمندسازی عبارت است از آزاد کردن قدرت افراد که به‌واسطه‌ی دانش و انگیزه‌ی خود صاحب آن هستند و با افزایش قابلیت‌های خود می‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند و به حقوق و قدرت برابر دست یابند (Drolet, 2011: 629-645). هدف اصلی توانمند کردن جامعه‌ی روستایی، پیشرفت و تعالی تمام آن است و یکی از شاخص‌های سنجش توسعه‌ی هر کشور، سطح توانمندی فقرا و روستاییان، به‌ویژه در شرایط تنش، است (Pelling & et-al, 2015: 113-127). یکی از مؤلفه‌های اصلی توانبخشی،



توانمندسازی مبتنی بر جامعه است که بر اهمیت توانمند شدن افراد ناتوان، خانواده و جامعه‌ی محلی آنان تأکید دارد (Mohammadi Moghadam & et-al, 2015: 16-24). بنابراین، برای توانمندسازی تعاریف بسیار متنوعی وجود دارد که آن‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کنیم. گروه اول تحقیقاتی هستند که توانمندسازی را مساوی با تغییر در سازکارهای توزیع می‌دانند؛ مانند دسترسی بالاتر به خدمات و کالا (Jacobs, 1992: 41) یا افزایش فرصت‌ها برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی (Mcclendon, 1993: 145-147; Ragalado & Martinez, 1991: 136-143). گروه دوم تحقیقاتی هستند که روی تغییرات متمرکز شده‌اند. در این گروه، این باور وجود دارد که وقتی توانمندسازی اتفاق می‌افتد که نیازها و دانش افراد در فرآیند تصمیم‌گیری دخالت داده شود و قدرت لازم به جامعه انتقال یابد (Young, 1990: 169-177; Tinker, 1990: 570-576; Lake, 1994: 423-442; Allen, 1993: 223-245). گروه سوم تحقیقاتی هستند که در آن‌ها، از افزایش توانایی‌ها به معنای کسب مهارت‌های جدید صحبت می‌شود؛ به طوری که این مهارت‌ها به افراد جامعه انتقال یابد تا فعالانه محیط خود را کنترل کنند و از توانمندی‌های خود برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بهره‌مند شوند (Babaer, 1984: 541; Boyte, 1989: 741; Rapport, 1986: 1-7; Zimmerman, 1990: 169-177). از اهداف توسعه‌ازدیدگاه عدالت‌محور و انسانی است و به معنای افزایش شناخت، قابلیت اعتماد، افزایش حق انتخاب، افزایش مهارت و افزایش قدرت کنترل بر عوامل تهدیدزای محیطی است (وحیدی ساریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳-۵۰).

مسئله‌ی توانمندسازی چند دهه سابقه دارد و بیش از یک دهه است که اندیشمندان حوزه‌ی منابع انسانی، به‌طور ویژه بر این موضوع تمرکز کرده‌اند و درمورد ابعاد، اهداف، راهبردها، الگوها، مدل‌ها و سازکارهای آن مطالعه نموده‌اند (نیازآذری و تقوایی یزدی، ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۸۰). بنابراین، توانمندسازی خانوارهای روستایی، تعاملات مناسب میان سازمان‌های حمایتی، سازمان‌های مردم‌نهاد، برنامه‌ریزان و دلسوزان جامعه است (اصغری لفتجانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰۳-۱۲۴). شکل زیر این تعامل را نشان می‌دهد.



شکل ۱. الگوی تعاملی میان عوامل مطرح در توانمندسازی خانوارهای نیازمند روستایی (اصغری لافنجانی، ۱۳۹۵: ۱۰۳-۱۲۴).

Figure 1. Interactive pattern among factors in empowering rural needy families (Asghar Lafanjani, 2016: 124-103).

بنابراین، توانمندسازی جوامع محلی در برابر مخاطرات به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است؛ یعنی فضایی برای افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوب خود را به عمل تبدیل کنند (Evans, 2010: 234-235). به‌طور کلی، توانمندی دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خویشاوندی و روان‌شناختی است (Malhtra et-al, 2002: 412). در ادامه، مهم‌ترین رویکردهای توانمندسازی را ارائه می‌کنیم.

الف: توانمندسازی روان‌شناختی

توماس و ولتهوس نخستین بار بحث توانمندسازی روان‌شناختی را مطرح کردند (Thomas & Velthouse, 1990: 661-681). توانمندسازی روان‌شناختی شکلی منسجم و فعال از انگیزش است که به‌عنوان محرکی کلیدی در ایجاد موفقیت در برنامه‌های مقابله با خشکسالی شناخته می‌شود (Maynard & et-al, 2012: 1231-1281). در تعریفی دیگر، توانمندسازی روان‌شناختی را یک ایفای نقش فعال در ارتباط با شغل و فعالیت‌ها می‌دانند که افراد طی آن به توانایی



شکل‌دهی نقش‌ها در بستری می‌رسند که در آن فعالیت می‌کنند. افراد توانمندشده به بهترین شکل وظایف خود را در شرایط خطرناک انجام می‌دهند (Dust & et-al, 2018: 231). به‌طور کلی، مؤلفه‌های توانمندسازی در شرایط اضطراب‌آور پنج بعد دارد (کلهرنیا گلکار و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۹-۲۳۸) که عبارت‌اند از:

۱. معنی‌داری: شغل و وظایف مرتبط با آن از لحاظ شخصی برای فرد مهم است و تقاضای شغل با ارزش‌های شخصی وی همخوانی دارد.
 ۲. شایستگی: فرد احساس می‌کند در انجام وظایف مرتبط با فعالیت در زمان خشکسالی، کاملاً کارآمد است.
 ۳. خودتعیین‌گری: فرد احساسی از خودآغازگری و تنظیم رفتار خویش را در شغل دارد و در نتیجه، احساس می‌کند که می‌تواند بر کارش کنترل داشته باشد و به سلامت از شرایط استرس‌زا عبور کند.
 ۴. تأثیرگذاری: فرد احساس می‌کند که فعالیت‌هایش برای تحقق اهداف برنامه‌های مقابله با خشکسالی است و می‌تواند نقشی مؤثر را ایفا کند.
 ۵. اعتماد: این مؤلفه را علاقه‌مندی، شایستگی، گشودگی و اطمینان به دیگران تعریف کرده‌اند و افراد با افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت، با یکدیگر در انجام فعالیت‌های مقابله همکاری می‌کنند (Maynard & et-al, 2012: 1231-1281).
- معمولاً از لحاظ روان‌شناختی، خانوارهای ناتوان فقرا در شرایط استرس‌زا (تغییرات اقلیمی و خشکسالی‌ها) از عملکرد مناسبی برخوردار نیستند و در صورتی که از برنامه‌های تدوین‌شده برای بهبود کیفیت زندگی خود اطلاع نداشته باشند، آن‌ها را به‌عنوان یک برنامه‌ی بیرونی شناسایی می‌کنند و باور به بهبود زندگی در بین آنان بسیار کم می‌شود (Zumrah, 2015: 143-160; Bishop-Fitzpatrick & et-al, 2017: 524).

ب. توانمندسازی اجتماعی

در این رویکرد، توانمندسازی پدیده‌ای اجتماعی است و بیان می‌شود که دستیابی به توسعه‌ی پایدار در بسیاری از خانواده‌ها و جامعه بدون مشارکت فکری و اقتصادی غیرممکن است. بنابراین، توانمندسازی جوامع روستایی و حمایت از آنان در برابر فشارها، شوک‌ها و آسیب‌های شغلی و اجتماعی ضروری است (Kaldi & Salahshouri, 2012: 7-22). چهار گام عمده در توانمندسازی اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. آگاه‌سازی و ایجاد اعتماد: در این مرحله، اعضای جامعه برای شناسایی مشکلات و امکانات و پیدا کردن راه‌حل‌های توانمند، تشویق می‌شوند. اعتماد در میان اعضای جامعه، کارکنان دولت، پرسنل سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و سایر ذی‌نفعان شکل می‌گیرد تا بتوانند به‌طور مشترک با مشکلات ناشی از خشکسالی برخورد کنند و منابع ضروری را برای بهبود وضع موجود در جوامع موردنظر تهیه نمایند.

۲. بسیج اجتماعی برای اقدامات جمعی: با بسیج اجتماعی برای اقدامات جمعی، مردم برای برخورد با مشکلات خارج از ظرفیت و توان، توانمند می‌شوند. این فرآیند شامل فعالیت‌هایی مانند «ایجاد تغییرات نگرشی و رفتاری در جوامع»، «حمایت و تشویق نقش‌ها و مسئولیت‌های مناسب برای فعالیت‌های جمعی و اشتراکی»، «شکل دادن به احترام متقابل در میان همه‌ی بخش‌های اجتماعی»، «ایجاد یا تقویت نهادها، گروه‌ها و سازمان‌ها» و «توسعه و اعتلای رهبری» است.

۳. تجزیه و تحلیل مشارکتی، برنامه‌ریزی و اقدام: بعد از آگاه‌سازی و ایجاد اعتماد در میان ذی‌نفعان و توسعه‌ی سازمانی به‌وسیله‌ی بسیج اجتماعی، امکان اجرای مؤثر تجزیه و تحلیل مشارکتی، برنامه‌ریزی و اقدام برای مقابله با خشکسالی فراهم می‌شود. در این مرحله، جوامع تشویق می‌شوند تا طرح‌های توسعه و فعالیت‌های مرتبط به آن را تدوین و اجرا کنند. تسهیلگران و کارشناسان خارجی (معمولاً بومی جوامع محلی نیستند) توانایی ایفای نقش حمایتی موردنیاز را با آغاز کردن چنین فرآیندی دارند.

۴. پایش و ارزشیابی: پایش و ارزشیابی به‌وسیله‌ی ذی‌نفعان مختلف و کارشناسان خارجی در بهبود مستمر فعالیت‌های توسعه‌ی اجتماعی و در انتشار و ترویج موفقیت‌آمیز عملکردها مؤثر خواهد بود. پایش و ارزشیابی منظم و سیستماتیک به تبدیل تجارب فردی به یک استراتژی عام توانمندسازی اجتماعی کمک می‌کند و بر چارچوب‌های کاری سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد (Pettit, 2012; Fetterman, 2013: 19).

ج. توانمندسازی اقتصادی

توانمندسازی اقتصادی فرآیندی است از پایین به بالا که طی آن، فقرا با افزایش قابلیت‌های اقتصادی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند و به حقوق و قدرت برابر دست یابند (Drolet, 2010: 219). بنابراین، توانمندسازی اقتصادی افراد، جوامع و حتی ملت‌ها در شرایط استرس‌زا، به‌معنی ایجاد قابلیت لازم برای کسب مسئولیت جمعی در فعالیت‌های اقتصادی برای دستیابی به زندگی بهتر و مدیر توسعه‌ی خود شدن است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۹). لازمه‌ی



توانمندسازی اقتصادی در میان جوامع روستایی در شرایط مخاطرات، آموزش و ظرفیت‌سازی است. آموزش و ظرفیت‌سازی به افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد کمک می‌کند (Elsheikh & Elamin, 2013: 126). از راه‌های دیگر توانمندسازی اقتصادی در هنگام مخاطرات طبیعی، استفاده از طرح‌های درآمدزایی است؛ بنابراین، پروژه‌های توسعه‌ی روستایی همواره باید به دنبال کاهش فقر و افزایش رشد اقتصادی خانوارها باشند (Abayomi & Abadat, 2014: 483-504).

د. توانمندسازی سیاسی و قانونی

به دلیل وجود فشارهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، این کشورها برای ایفای نقش جوامع روستایی در هرم قدرت و اجازه‌ی فعالیت و مشارکت به آنان در مسائل مهم زندگی همواره با چالش‌هایی مواجه هستند. برای رفع این مشکل، توانمندسازی سیاسی و قانونی مطرح شد (Tesfy & Tadele, 2013: 1-11). توانمندسازی سیاسی یکی دیگر از جنبه‌های مهم توانمندسازی در برنامه‌ریزی و توسعه‌ی روستایی است. با توانمندی سیاسی، دانش و اطلاعات و به‌طور خاص آگاهی ساکنین از فرصت‌های موجود افزایش می‌یابد و به این ترتیب، با مشارکت افراد در هدف‌گذاری طرح‌های مقابله با خشکسالی، ضمن آگاهی از اهداف آن‌ها، به مجریان طرح‌های مقابله با خشکسالی کمک می‌شود (Boley & et-al, 2015: 112-122).

با توانمندسازی سیاسی و قانونی، به برابری بازنمایی نهادهای سیاسی، شنیدن آرای متفاوت و شرکت دادن افراد در تصمیم‌سازی‌های مؤثر بر زندگی آن‌ها توجه می‌شود (Perrit, 2012: 19). انتقال قدرت به دولت محلی که بخشی از دموکراتیک کردن و دستور کار حکمروایی است، فرصتی را برای بیان منافع گروه‌های مستقل از فعالیت‌های سیاسی حزبی و دولتی فراهم می‌کند (Oxfam, 1995).

و. توانمندسازی بین‌فردی

این نوع توانمندسازی بیان‌کننده‌ی حق و حقوق فردی، آزادی عمل برای تصمیم‌گیری، افزایش توانایی برای قبول مسئولیت، افزایش استقلال و اعتمادبه‌نفس است (پاریاب و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۵-۷۰؛ میاندشتی و همکاران، ۱۳۹۱؛ عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۳-۲۱۹). توانمندی بین‌فردی را به‌عنوان تقویت تعادل و آرامش جامعه توصیف می‌کنند که در نتیجه‌ی آن، ارتباطات ساکنین با همدیگر بیشتر می‌شود و با یکدیگر شروع به همکاری می‌کنند (Strzelecka & et-al, 2017: 63).

۲-۳- مدیریت مشارکتی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر توانمندسازی جوامع محلی، مدیریت مشارکتی است که در آن، مشارکت پیشران توانمندسازی جوامع روستایی است (Rostami & et-al, 2013: 23-42; Dadvarkhani & et-al, 2013: 125-142; Onyx, 2005: 52). امروزه، بسیاری از برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی، به دلیل کم‌توجهی به خصوصیات و موقعیت ذی‌نفعان در شبکه‌ی روابط اجتماعی آن‌ها، با شکست مواجه شده است (Ghorbani & Dehbozorgi, 2014: 141-157; 25). لذا رویکرد بالا به پایین ضمن اینکه هزینه‌های زیادی را به دولت و جامعه تحمیل می‌کند، از اثربخشی کافی برخوردار نیست و به دلیل تغییر و تکامل دیدگاه درمورد مدیریت سرزمین، نگاه دولت‌گرا و تمرکزگرا که سعی دارد برای تدوین و پیاده‌سازی راهبردها از بالا به پایین اقدام کند، جای خود را به نگاه اجتماع‌محور برای جلب مشارکت‌های مردمی و اجتماعی داده است (عوض‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳۵-۴۴۸). از این‌رو، از دهه‌ی ۱۹۸۰، راهبرد اصلی عملی کردن توسعه‌ی پایدار در بخش روستایی تأکید بر عواملی بود که بیشتر جنبه‌ی مشارکتی با جوامع محلی دارند (قربانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۷۸-۳۸۷). مدیریت مشارکتی عبارت از مشارکت تمامی ذی‌نفعان، شامل بهره‌برداران، نهادهای دولتی و غیردولتی، در مدیریت بهره‌برداری بهینه و پایدار است (Ghorbani & Dehbozorgi, 2014: 141-157; Keshavarzi & Moazedi, 2012: 21-23). مدیریت مشارکتی یک نگرش جامع برای جلب مشارکت فردی و گروهی بین مدیران و ذی‌نفعان است که آنان را برمی‌انگیزاند برای دستیابی به هدف‌های گروهی یاری رسانند و در مسئولیت کار شریک شوند. از میان انبوه روش‌های مدیریت، مدیریت مشارکتی یکی از رویکردهای نسبتاً جدید مدیریت خشکسالی است که با به رسمیت شناختن اهمیت نیروی انسانی، می‌کوشد راهکارهایی را برای حضور فعالانه‌ی همه‌ی افراد در موقعیت‌ها بیابد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۴۱).

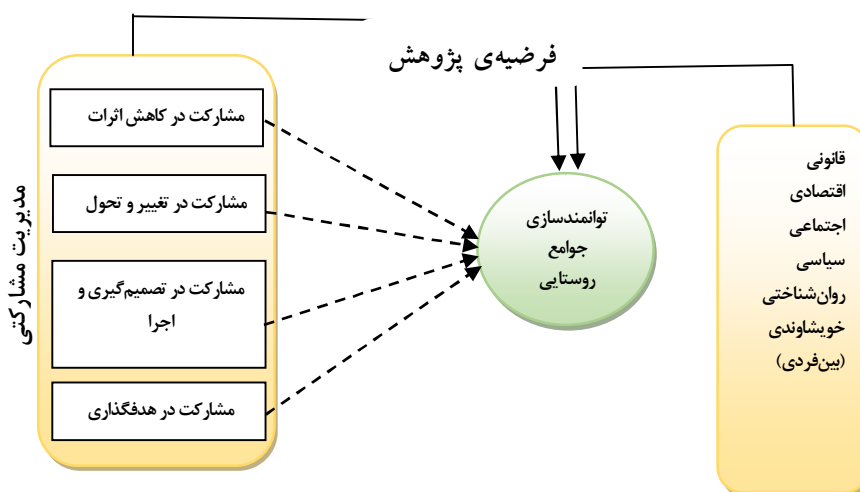
۴- پیشینه‌ی پژوهش و تدوین چارچوب مفهومی

آنیاه و دیگران در پژوهشی درزمینه‌ی توانمندسازی معیشت در مقابله با تغییرات اقلیمی در کشور غنا، دریافتند که تعیین استراتژی‌های معیشت، برای بهبود توانمندی جوامع محلی بدون مشارکت آنان امکان‌پذیر نیست و بین این دو مقوله رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد (Aniah & et-al, 2019: 145). در تحقیق دیگری درزمینه‌ی بازنمایی مکان آسیب‌دیده از



خشکسالی با استفاده از ابزارهای مشارکتی، مشخص شد که رسم نمودارهای مشارکتی ابزار قوی درزمینه‌ی تحلیل وضعیت آسیب‌پذیری بوده است. همچنین، راهکارهای استخراجی براساس دانش بومی جوامع محلی نشان داد که بیشتر کشاورزان به توانمندی‌های اقتصادی اشاره داشتند (Sullivan-Wily & et-al, 2019: 47-57). در کشور بنگلادش نیز در تحقیقی با عنوان «نقش مشارکت جوامع محلی در مقابله با مخاطرات» روشن شد که در مکان‌های بهره‌مند از مشارکت، همواره اثربخشی برنامه‌ها بیشتر بوده است (Rabiul islam & et-al, 2018: 531-538). در پژوهشی درزمینه‌ی مدیریت مشارکتی به‌منظور انطباق جوامع محلی برای مقابله با تغییرات اقلیمی در کشور نپال، مشخص شد که این نوع برنامه‌ریزی یک نوع فرآیند از پایین با بالا است که اثرات تغییرات اقلیم را به حداقل می‌رساند و ظرفیت‌سازگاری و توانمندی خانوارهای روستایی را تضمین می‌کند (Khadka & et-al, 2018: 73-82). در کشور هند، در پژوهشی با عنوان «آیا مدیریت مشارکتی ظرفیت انطباق محلی را ایجاد می‌کند یا خیر؟»، روشن شد که با مدیریت مشارکتی و بهره‌بردن از مشارکت جوامع محلی، سطح توانمندی آنان بهبود می‌یابد و خطرات کمبود آب و تخریب منابع طبیعی بسیار کم می‌شود (Bado & Bationo, 2018: 1-33). در این زمینه، پژوهشگران دیگری نتیجه گرفتند که انجمن‌های مشارکتی بر توانمندی اقتصادی و اجتماعی تأثیر زیادی می‌گذارند و همواره بر کاهش فقر در جوامع روستایی نیجریه تأثیر معنی‌داری گذاشته‌اند (Odetola & et-al, 2015: 1982-1988). در تحقیقی دیگر در کشور نیجریه، روشن شد که تعاونی‌ها به‌عنوان یک نهاد مشارکتی تأثیر زیادی بر کاهش فقر اقتصادی و نارسایی‌های اجتماعی در جوامع محلی می‌گذارند و در توانمندسازی افراد نقش اساسی را ایفا می‌کنند (Shehu Hussain, 2014: 189-197). پژوهشگران دیگری نتیجه گرفتند که سرمایه‌ی اجتماعی بر سطح توانمندی افراد اثری مثبت دارد و در نتیجه، به‌کارگیری مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی افراد تأثیر می‌گذارد (Riahi & et-al, 2013). لاک در تحقیق خود، نتیجه گرفت که سبک مدیریت مشارکتی موجب سطح بالایی از همبستگی بین ذی‌نفعان می‌شود و در نهایت، رضایت آنان را جلب می‌کند (Luke, 2011: 423-442). همچنین، مدیریت مشارکتی موجب حس اعتماد و تعهد می‌شود و در نهایت بر توانمندی ذی‌نفعان اثر می‌گذارد (Wallace & et-al, 2011: 559). مدیریت مشارکتی نقش مهمی در رشد و تعالی افراد نیز دارد و سبب می‌شود که انگیزه و توانمندی آنان بیشتر شود (Cullinan, 2008: 425-435). شبکه‌های اجتماعی و مشارکت جوامع روستایی اثر مثبتی بر سطح کیفی زندگی کشاورزان دارد (شاه‌پسند و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳۱-۴۴۱). تقویت مدیریت مشارکتی خودکارآمد بر توانمندی روستاییان در مقابله با خشکسالی اثرگذار است

(حیدری ساریان و باختر، ۱۳۹۴: ۱۹-۳۴). متغیرهای مشارکت و رضایت از اجرای پروژه بیشترین تأثیر را بر توانمندی در مدیریت آب کشاورزان دارد (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷: ۱). مدیریت مشارکتی با توانمندسازی رابطه‌ی معنی‌داری دارد (ایرانزاده و زنجانی، ۱۳۹۰: ۶۵-۸۳؛ احمدی بالادهی، ۱۳۹۴: ۴۱). باتوجه به مطالب ارائه‌شده، چارچوب مفهومی تحقیق را به‌صورت زیر ارائه می‌کنیم (شکل ۲).

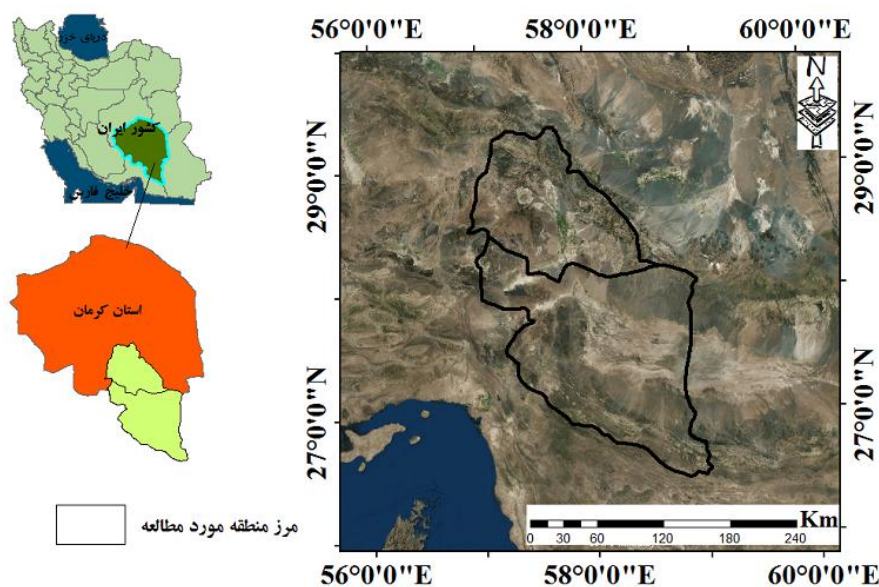


شکل ۲ مدل مفهومی تحقیق
Figure 2 Conceptual model of research

منطقه‌ی مورد مطالعه

باتوجه به مطالب ارائه‌شده که نشان‌دهنده‌ی اهمیت مدیریت مشارکتی در توانمندسازی است (هرچند به این موضوع کمتر در جوامع روستایی مخصوصاً در شرایط خشکسالی توجه شده است)، باید این موضوع در جوامع روستایی بررسی شود. در این راستا، تحقیق حاضر را با هدف کلی نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد، واقع در جنوب استان کرمان، انجام دادیم. این منطقه از نظر آب‌وهوایی جزو مناطق نیمه‌خشک به‌شمار می‌رود و متوسط بارندگی در آن در طول یک دوره‌ی درازمدت ۴۰ساله، ۱۷۰ میلی‌متر است. در این منطقه، تغییر اقلیم و خشکسالی‌های پی‌درپی باعث وارد شدن خسارت‌های زیاد به زندگی انسان و اکوسیستم‌های طبیعی شده است. به‌دلیل

این خشکسالی‌ها و کمبود بارش و نبود آب سطحی در این منطقه، مردم بیش‌ازحد از منابع آب زیرزمینی برای کشاورزی استفاده کرده‌اند و این کار موجب افزایش تعداد چاه‌های نیمه‌عمیق و عمیق در این منطقه شده است (اسکندری دامنه و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۶۳-۵۸۷). در شکل ۳، مرز منطقه‌ی مورد مطالعه مشخص شده است.



شکل ۳ منطقه‌ی مورد مطالعه

Figure 3 Study area

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نظر ماهیت از نوع پژوهش‌های کمی، براساس هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی، در گردآوری داده‌ها جزو پژوهش‌های میدانی و براساس روش از نوع علی-ارتباطی است. با توجه به زمان، این پژوهش تک‌مقطعی است و داده‌ها و اطلاعات در یک مقطع زمانی گردآوری شده‌اند. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل همه‌ی روستاییان شهرستان‌های جیرفت و عنبرآباد است (N=75819). با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۳۸۲ نفر از آن‌ها را با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب کردیم. بخش‌های مختلف را به‌عنوان طبقه در نظر گرفتیم؛ به‌طوری که از هر شهرستان دو بخش، در مرحله‌ی بعد از هر بخش سه دهستان و از هر دهستان دو روستا

را برای مطالعه انتخاب کردیم. به این ترتیب، از هر شهرستان ۱۲ روستا و در مجموع ۲۴ روستا را با روش تصادفی ساده برای مطالعه برگزیدیم. ابزار اصلی تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی آن توسط پانل متخصصان و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد ($\alpha > 0.7$). ابزار اصلی در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات و داده‌ها پرسشنامه بود. پرسشنامه‌ی مذکور شامل چهار بخش بود. بخش اول ویژگی‌های فردی و بخش دوم مقیاسی برای سنجش مدیریت مشارکتی بود. در این بخش، از مدل پرسشنامه‌ی استاندارد مدیریت مشارکتی چوپانی (۱۳۸۹) استفاده کردیم و براساس آن، ۱۶ گویه را در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱. کاملاً مخالفم تا ۵. کاملاً موافقم) تدوین نمودیم که چهار شاخص مدیریت مشارکتی (مشارکت مردم محلی در هدف‌گذاری، مشارکت جوامع محلی در تصمیم‌گیری و اجرا، مشارکت جوامع محلی در حل مشکلات و کاهش اثرات و نیز مشارکت ذی‌نفعان در تغییر و تحول) را می‌سنجید. بخش سوم مقیاسی برای سنجش توانمندی جوامع بود. در این بخش، مدل توانمندسازی (Mallhotra & et-al, 2002) را مبنای کار قرار دادیم و براساس آن، ۲۷ گویه را در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت (از ۱. کاملاً مخالفم تا ۵. کاملاً موافقم) تدوین کردیم که شش بعد توانمندسازی (ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، خویشاوندی (روابط درون‌فردی)، قانونی و روان‌شناختی) را می‌سنجید. در بخش چهارم، ۲۳ گویه را در قالب طیف ۵ درجه‌ای لیکرت مربوط به موانع مدیریت مشارکتی در میان جوامع محلی تدوین کردیم. برای تعیین روایی پرسشنامه، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای کارشناسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان بهره بردیم. به‌منظور سنجش پایایی آن از آزمون ضریب آلفای کرونباخ استفاده کردیم. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای مقیاس‌های مدیریت مشارکتی ۰/۷۸، برای توانمندسازی جوامع محلی ۰/۸۲ و برای موانع مدیریت مشارکتی ۰/۸۸ به‌دست آمد. باتوجه به اینکه ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای هر یک از قسمت‌های پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بود، پرسشنامه از پایایی خوبی برای انجام تحقیق برخوردار بود.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی از نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۸ استفاده کردیم. برای این کار، در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در بخش آمار استنباطی از تحلیل همبستگی، رگرسیون چندگانه به روش توأم، تحلیل عاملی اکتشافی و TOPSIS استفاده کردیم که در ادامه آن‌ها را توضیح می‌دهیم.

برای اولویت‌بندی متغیرهای پژوهش از ضریب تغییرات استفاده کردیم که میزان پراکندگی به‌ازای یک واحد از میانگین را بیان می‌کند و از تقسیم انحراف معیار بر میانگین به‌دست می‌آید. همچنین، برای بررسی روابط بین متغیرهای مدیریت مشارکتی با توانمندسازی جوامع



محلی از همبستگی پیرسون استفاده کردیم. این آزمون میزان همبستگی خطی بین دو متغیر تصادفی را می‌سنجد. مقدار این ضریب بین ۱- تا ۱ تغییر می‌کند که «۱» به معنای همبستگی مثبت کامل، «۰» به معنی نبود همبستگی و «-۱» به معنی همبستگی منفی کامل است. این ضریب را که کاربرد فراوانی در آمار دارد، کارل پیرسون براساس ایده‌ی اولیه‌ی فرانسیس گالتون تدوین کرد. برای تعیین اثر شاخص‌های مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی جوامع محلی مطالعه، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش توأم استفاده کردیم. در روش رگرسیون چندگانه‌ی توأم، همه‌ی متغیرهای مستقل هم‌زمان وارد تحلیل می‌شوند و اثرات آن‌ها بر متغیر وابسته هم‌زمان بررسی می‌شود (کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۶۵).

همچنین، برای بررسی و تحلیل موانع مدیریت مشارکتی، از تحلیل اکتشافی استفاده کردیم. روش تحلیل عاملی برای پی بردن به متغیرهای زیربنایی یک پدیده یا تلخیص مجموعه‌ای از داده‌ها استفاده می‌شود. داده‌های اولیه برای تحلیل عاملی، ماتریس همبستگی بین متغیرها است. تحلیل عاملی متغیرهای وابسته‌ی از قبل معینی ندارد. همچنین، برای بررسی تشخیص مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده کردیم. به‌طور کلی، موارد استفاده‌ی تحلیل عاملی به دو دسته‌ی کلی «مقاصد اکتشافی» و «مقاصد تأییدی» تقسیم می‌شود. اگر هیچ حدسی از ساختار روابط میان گویه‌ها وجود نداشته باشد، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده می‌شود؛ اما اگر گویه‌ها براساس ابعاد شناسایی شده باشند، باید از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شود. با توجه به اینکه در این تحقیق هیچ‌گونه ساختار از پیش معینی وجود نداشت، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده کردیم. همچنین، برای اولویت‌بندی روستاهای مطالعه‌شده براساس شاخص‌های مدیریت مشارکتی و توانمندسازی، از روش TOPSIS استفاده کردیم که برای انجام بخش تاپسیس، مراحل زیر را دنبال نمودیم.

گام صفر: گام صفر به دست آوردن ماتریس تصمیم است. در این مرحله، ماتریس تصمیم ارزیابی می‌شود که شامل m گزینه و n شاخص است. در این ماتریس، شاخصی که مطلوبیت مثبت دارد، شاخص سود و شاخصی که مطلوبیت منفی دارد، شاخص هزینه است.

گام اول: این مرحله به رفع اختلاف مقیاس کردن ماتریس تصمیم مربوط است. در این گام، مقیاس‌های موجود در ماتریس تصمیم را بدون مقیاس می‌کنیم؛ به این صورت که هر یک از مقادیر بر اندازه‌ی بردار مربوط به همان شاخص تقسیم می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^m x_{ij}^2}}$$

گام دوم: گام دوم وزندهی به ماتریس نرمال شده است. برای این قسمت، از روش‌های مختلف مثل پانل متخصصین، مک گراناهان، تحلیل مؤلفه‌های اصلی و ... استفاده کردیم. از آنجا که روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برتری خاصی نسبت به سایر روش‌ها دارد، در این تحقیق نیز از آن استفاده کردیم.

گام سوم: سومین گام تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی است. دو گزینه‌ی مجازی A^+ و A^- را به صورت‌های زیر تعریف می‌کنیم:

گزینه‌ی ایده‌آل مثبت

$$A^+ = \{(\max_{j \in J} v_{ij}, (\min_{j \in J} v_{ij}), i = 1, 2, 3, \dots, m\} = \{V_1^*, V_2^*, \dots, V_j^*, \dots, V_n^*\}$$

گزینه‌ی ایده‌آل منفی

$$A^- = \{(\min_{j \in J} v_{ij}, (\max_{j \in J} v_{ij}), i = 1, 2, 3, \dots, m\} = \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^-\}$$

زهای مربوط به شاخص سود

$$\rightarrow J = \{j=1, 2, 3, \dots, n\}$$

زهای مربوط به شاخص هزینه

$$\rightarrow J' = \{j=1, 2, 3, \dots, n\}$$

گام چهارم: به دست آوردن اندازه فاصله بین هر گزینه n بعدی را از روش اقلیدسی می‌سنجیم. یعنی فاصله گزینه i را از گزینه‌های ایده‌آل مثبت و منفی می‌یابیم.

$$s_{i+} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^*)^2} \quad i = 1, 2, 3, \dots, m$$

$$s_{i-} = \sqrt{\sum_{j=1}^n (v_{ij} - v_j^-)^2} \quad i = 1, 2, 3, \dots, m$$

گام پنجم: در این مرحله، نزدیکی نسبی به راه‌حل ایده‌آل محاسبه می‌شود. این معیار از طریق فرمول زیر به دست می‌آید:

$$C_{i*} = \frac{S_{i-}}{S_{i*} + S_{i-}} \quad 0 < C_{i*} < 1$$

گام ششم: در این مرحله، مقادیر به دست آمده از گزینه‌ها به ترتیب C_i رتبه‌بندی می‌شوند (کلانتری، ۱۳۹۱).

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای پاسخگویان مطالعه‌شده

پس از بررسی ویژگی‌های فردی افراد مطالعه‌شده، دریافتیم که میانگین سنی آن‌ها برابر با ۳۹/۳۴ با انحراف معیار ۱۱/۳۲ سال بود که در دامنه‌ی سنی ۱۸ تا ۶۵ سال قرار داشتند. بیشتر افراد مورد مطالعه متأهل و تنها ۳۳/۱۱ درصد آن‌ها مجرد بودند. میانگین فاصله‌ی محل سکونت آن‌ها از شهر ۳۵/۹۸ با انحراف معیار ۲۳/۱۲ کیلومتر و میانگین تعداد اعضای خانوار ۳/۸۵ نفر بود. سایر ویژگی‌های فردی آنان به صورت زیر در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول اتوزیع فراوانی ویژگی‌های پاسخگویان مطالعه

Table 1 Frequency distribution of study respondents' characteristics

متغیر	سطوح متغیر	فراوانی	درصد معتبر	نما
سطح تحصیلات	بی سواد	۳۵	۹/۱۶	
	ابتدایی	۱۰۴	۲۷/۲۲	*
	راهنمایی	۹۸	۲۵/۶۵	
	دیپلم	۱۰۱	۲۶/۴۳	
شرکت در کلاس‌های آموزشی و ترویجی	فوق دیپلم و بالاتر	۴۴	۱۱/۵۴	
	بله	۲۵۰	۶۵/۷۸	*
	خیر	۱۳۲	۳۲/۲۲	
شغلی غیر از کشاورزی	بله	۲۸۰	۷۳/۲۹	
	خیر	۱۰۲	۲۶/۷۱	
عضو تشکل‌های روستایی هستید؟	بله	۹۶	۲۵/۱۳	
	خیر	۲۸۶	۷۴/۸۷	*

میزان موفقیت پروژه‌های مقابله با خشکسالی

نتایج بررسی میزان موفقیت پروژه‌های مقابله با خشکسالی از دیدگاه جوامع محلی نشان داد که میزان موفقیت این پروژه‌ها در سطح متوسط بود و بیشتر آنان بیان کردند که اهداف این پروژه‌ها با نیازهای افراد محلی متفاوت است (جدول ۲). با توجه به اینکه مشارکت جوامع محلی در پروژه‌های مقابله با خشکسالی در سطح پایینی قرار داشت و به نظر بسیاری از افراد جوامع روستایی برنامه‌های مقابله با خشکسالی بدون همکاری آن‌ها طراحی و اجرا می‌شود، موفقیت این پروژه‌ها به‌طور متوسطی ارزیابی می‌نمودند.

جدول ۲: بررسی میزان موفقیت پروژه‌های مقابله با خشکسالی

Table 2 Examine the success rate of drought projects

نما	درصد تجمعی	درصد	تعداد	میزان موفقیت
	۱۹/۶۳	۱۹/۶۳	۷۵	خیلی کم
	۴۵/۲۸	۲۵/۶۵	۹۸	کم
*	۷۷/۷۴	۳۲/۴۶	۱۲۴	متوسط
	۹۶/۵۸	۱۸/۸۴	۷۲	زیاد
	۱۰۰	۳/۴۲	۱۳	خیلی زیاد

میزان رضایت از پروژه‌های مقابله با خشکسالی

نتایج بررسی میزان رضایت جوامع محلی از پروژه‌های مقابله با خشکسالی نشان داد که جوامع محلی رضایت کمی از اجرای این پروژه‌ها دارند (جدول ۳). به عقیده بسیاری از افراد مطالعه‌شده، این پروژه‌ها اثر چندانی بر معیشت و مقاوم‌سازی آنان نداشته و در راستای نیازهای آنان نبوده است و متولیان بیرونی بیش از آنکه به فکر اثربخشی این برنامه‌ها باشند، به بخش اجرا و اتمام آن توجه دارند.



جدول ۳ میزان رضایت از پروژه‌های مقابله با خشکسالی

Table3 Satisfaction with drought projects

نما	درصد تجمعی	درصد	تعداد	میزان رضایت
*	۸۴/۲۸	۳۶/۱۲	۱۳۸	خیلی کم
	۴۸/۱۶	۲۶/۷۰	۱۰۲	کم
	۲۱/۴۶	۲۱/۴۶	۸۲	متوسط
	۹۴/۷۵	۱۰/۴۷	۴۰	زیاد
	۱۰۰	۵/۲۵	۲۰	خیلی زیاد

میزان اثرگذاری مثبت جوامع انسانی بر کاهش مخاطرات خشکسالی

نتایج بررسی دیدگاه جوامع محلی در زمینه‌ی اثرگذاری مثبت جوامع انسانی بر کاهش مخاطرات خشکسالی نشان داد که بیشتر اعضا موافق بودند که امکان اثرگذاری جوامع انسانی بر میزان کاهش مخاطرات خشکسالی وجود دارد (جدول ۴). این موضوع اهمیت مشارکت مردم در راستای توانمندسازی آنان را نشان می‌دهد. بنابراین، متولیان بیرونی باید به این موضوع مهم توجه داشته باشند که بدون مشارکت، توفیق چندانی به دست نخواهند آورد؛ زیرا جوامع محلی باور دارند که توانایی کنترل اثر مخاطرات را دارند و در صورت بهره نگرفتن از آنان انجام اقدامی اساسی در این زمینه ممکن نیست.

جدول ۴ میزان اثرگذاری مثبت جوامع انسانی بر کاهش مخاطرات خشکسالی

Table 4 The Positive Impact of Human Communities on Drought Risk Reduction

نما	درصد تجمعی	درصد	تعداد	میزان اثرگذاری
	۹/۱۶	۹/۱۶	۳۵	خیلی کم
	۱۰۰	۱۰/۷۵	۴۱	کم
	۲۶/۱۷	۱۷/۰۱	۶۵	متوسط
	۸۹/۲۵	۲۱/۴۶	۸۲	زیاد
*	۶۷/۷۹	۴۱/۶۲	۱۵۹	خیلی زیاد

بررسی میزان وضعیت مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی و توانمندسازی جوامع محلی

برای اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی در میان جوامع محلی جنوب استان کرمان، از ضریب تغییرات استفاده کردیم. جدول شماره ۶ وضعیت اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی جوامع محلی مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مشارکت در کاهش اثرات درمقایسه با سایر مؤلفه‌ها، وضعیت مناسب‌تری دارد. سه مؤلفه‌ی دیگر، یعنی مشارکت در تغییر و تحول، مشارکت در تصمیم‌گیری و مشارکت در هدف‌گذاری کمتر از حد میانگین (۲/۵ از ۵) است. مؤلفه‌ی مدیریت مشارکتی با میانگین ۲/۱۶ در وضعیت نامناسبی قرار دارد (جدول ۵). با توجه به اینکه از جوامع محلی در مراحل تهیه و تدوین طرح‌های مقابله با خشکسالی استفاده چندانی نمی‌شود و بیشتر مشارکت آنان در زمان اجرای طرح‌های مقابله‌ای است، مؤلفه‌ی مشارکت در کاهش اثرات از سایر مؤلفه‌ها وضعیت بهتری دارد.

جدول ۵ اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی در بین کشاوران مورد مطالعه

Table 5 Prioritizing the components of participatory management among the farmers under study

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین (از ۵)	مؤلفه
۱	۰/۲۲۷	۰/۵۷۴	۲/۵۲	مشارکت در کاهش اثرات
۲	۰/۲۸۵	۰/۶۵۲	۲/۲۸	مشارکت در تغییر و تحول
۳	۰/۳۱۴	۰/۶۳۲	۲/۰۱	مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا
۴	۰/۳۵۲	۰/۶۵۲	۱/۸۵	مشارکت در هدف‌گذاری
-	-	۰/۶۲۷	۲/۱۶	مدیریت مشارکتی

* مقیاس: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد

برای بررسی اولویت‌بندی ابعاد توانمندسازی جوامع محلی مطالعه‌شده، از ضریب تغییرات استفاده کردیم. نتایج این بخش (جدول ۶) نشان می‌دهد که وضعیت توانمندی و ابعاد آن در میان جوامع محلی مورد مطالعه، تقریباً در حد متوسط (۲/۵) و بالاتر از آن است. میزان توانمندی آنان در بعد اجتماعی- فرهنگی درمقایسه با سایر ابعاد توانمندسازی بیشتر است و بعد اقتصادی درمقایسه با سایر ابعاد توانمندسازی اولویت پایین‌تری دارد. با توجه به مشاهدات نگارنده می‌توان گفت که اکثر پروژه‌های مقابله با خشکسالی که در مناطق روستایی اجرا شده بود در راستای بهبود توان اقتصادی خانوارهای روستایی نبود و فعالیت‌های اجرایی بیشتر در راستای کنترل بیابان است و در این مناطق، بهبود توانمندی اقتصادی جوامع محلی بسیار ضروری است. به دلیل این که خشکسالی‌های پی‌درپی موجب تضعیف بنیه اقتصادی



خانوارهای روستایی شده است و توان تاب‌آوری و سازگاری با خشکسالی بسیار کم شده است، اقدامات جدی در این زمینه بسیار ضروری است.

جدول ۶ ابعاد توانمندسازی جوامع محلی مورد مطالعه

Table 6 Dimensions of Empowering Local Communities under Study

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	ابعاد
۱	۰/۱۷۷	۰/۶۵۴	۳/۶۹	- اجتماعی- فرهنگی
۲	۰/۲۰۵	۰/۶۲۱	۳/۰۲	- خویشاوندی (درون فردی)
۳	۰/۲۱۸	۰/۶۵۸	۳/۰۱	- روان‌شناختی
۴	۰/۲۲۱	۰/۵۸۷	۲/۶۵	- سیاسی
۵	۰/۲۲۲	۰/۶۳۵	۲/۸۵	- قانونی
۶	۰/۲۵۷	۰/۶۸۲	۲/۶۵	- اقتصادی
-	-	۰/۴۹۵	۳/۰۷	- توانمندسازی

* مقیاس: ۱. خیلی کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد، ۵. خیلی زیاد

در این پژوهش، برای بررسی رابطه‌ی بین شاخص‌های مدیریت مشارکتی با ابعاد توانمندسازی جوامع محلی مورد مطالعه، از ضریب همبستگی پیرسون بهره بردیم. نتایج این بخش را در جدول ۷ ارائه کرده‌ایم. چنانکه می‌بینیم، بین شاخص‌های مدیریت مشارکتی (مشارکت در هدفگذاری، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در کاهش اثرات و مشارکت در تغییر و تحول) با توانمندسازی جوامع محلی رابطه‌ی مثبت و معناداری در سطح یک درصد وجود دارد.

مشارکت جوامع محلی مخصوصاً در قسمت تصمیم‌گیری به هدفگذاری مناسب پروژه‌ها در راستای نیاز آنان منجر می‌شود و در نهایت، سطح توانمندی اقتصادی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. همچنین، مشارکت در پروژه‌های مقابله، به مشروعیت بیشتر طرح، کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف وقت در مقابله با خشکسالی منجر می‌شود.

جدول ۷ رابطه‌ی بین شاخص‌های مدیریت مشارکتی با توانمندسازی جوامع محلی

Table 7 Relationship between Indicators of Participatory Management and Empowerment of Local Communities

توانمندسازی جوامع محلی		متغیرهای مستقل
Sig	r	
۰/۰۰۰	۰/۶۸۵**	- مشارکت در هدفگذاری
۰/۰۰۰	۰/۷۷۸**	- مشارکت در تصمیم‌گیری
۰/۰۰۰	۰/۷۲۵**	- مشارکت در کاهش اثرات
۰/۰۰۰	۰/۵۳۸**	- مشارکت در تغییر و تحول
** معنی‌داری در سطح ۱ درصد و * معنی‌داری در سطح ۵ درصد		

در ادامه‌ی تحلیل‌های استنباطی به‌منظور بررسی تأثیر شاخص‌های مدیریت مشارکتی بر سطح توانمندسازی جوامع محلی، از رگرسیون چندگانه به‌شيوه‌ی توأم استفاده کردیم. در نتیجه، شاخص‌های مدیریت مشارکتی به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و توانمندسازی به‌عنوان متغیر ملاک تحقیق وارد تحلیل رگرسیون شدند. نتایج حاصل از این بخش را در جدول‌های ۸، ۹ و ۱۰ ارائه کرده‌ایم.

جدول ۸ ضرایب همبستگی چندگانه‌ی اثر شاخص‌های مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی پاسخگویان

Table 8 Multiple Correlation Coefficients of Effect of Participatory Management Indicators on Respondents Empowerment

ضریب تعدیل‌شده (AdR ²)	ضریب تعیین (R ²)	ضریب همبستگی (R)	شاخص‌های آماری
۰/۸۵۲	۰/۸۵۳	۰/۸۷۶	میزان ضریب

بر اساس نتایج جدول ۸، مقدار ضریب همبستگی چندگانه (R) بین شاخص‌های مدیریت مشارکتی و توانمندسازی برابر با ۰/۸۷۶ است که بیانگر همبستگی بالا بین مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی و توانمندسازی جوامع روستایی مورد مطالعه است. ضریب تعیین (R²) برابر با ۰/۸۵۳ است؛ یعنی ۸۵/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک تحقیق (توانمندسازی) توسط متغیرهای پیش‌بین تحقیق، یعنی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی (مشارکت در هدفگذاری، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در کاهش اثرات و مشارکت در تغییر و تحول)، قابل پیش‌بینی است که

مقدار بالا و قابل توجهی است و بقیه‌ی تغییرات (۱۴/۷ درصد باقی‌مانده) به عوامل و متغیرهای دیگری مربوط است که وارد تحلیل نشده‌اند.

جدول ۹ برآورد برازش مدل رگرسیون با استفاده از آزمون F (تحلیل واریانس)

Table 9 Estimation of Fit Regression Model Using F Test (Analysis of Variance)

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
رگرسیون	۲۸۱۵۳/۱۷۶	۴	۷۱۲۸/۲۹۴	۱۹۰۴/۷۷۵	۰/۰۰۰
باقی‌مانده	۱۴۰۳/۳۷۴	۳۷۸	۳/۷۴۲		
کل	۲۹۹۱۶/۵۴۹	۳۸۲			

باتوجه به نتایج جدول ۹، درمی‌یابیم که با مدل خطی رگرسیون توأم شاخص‌های مدیریت مشارکتی، واریانس مربوط به توانمندسازی تبیین می‌شود؛ به طوری که میزان F به دست آمده برابر با ۱۹۰۴/۷۷۵ در سطح ۱ درصد معنی‌دار است. ۸۵/۳ درصد از واریانس مربوط به توانمندسازی توسط شاخص‌های مدیریت مشارکتی تبیین می‌شود. همچنین، نتایج این جدول بیانگر معنی‌دار بودن رگرسیون و رابطه‌ی خطی بین متغیرهای تحقیق است؛ به طوری که براساس آماره‌ی F، معنی‌دار بودن آن در سطح ۱ درصد تأیید می‌شود.

جدول ۱۰ میزان تأثیر شاخص‌های مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی جوامع محلی

Table 10 The Impact of Participatory Management Indicators on Empowering Local Communities

متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	B	Std. Error	Beta	t	Sig
ضریب ثابت	-۴/۲۷۳	۰/۵۲۱	-	۸/۲۰۱**	۰/۰۰۰
مشارکت در هدفگذاری	۱/۱۳۳	۰/۰۶۰	۰/۲۵۰	۱۸/۷۵۹**	۰/۰۰۰
مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا	۱/۱۶۹	۰/۰۳۳	۰/۴۵۹	۳۵/۳۰۵**	۰/۰۰۰
مشارکت در کاهش اثرات	۱/۱۵۸	۰/۰۳۵	۰/۴۰۸	۳۲/۸۵۵**	۰/۰۰۰
مشارکت در تغییر و تحول	۱/۳۲۴	۰/۰۶۷	۰/۲۰۴	۱۹/۷۹۴**	۰/۰۰۰

باتوجه به توضیحات بالا و نتایج جدول ۱۰، معادله‌ی خطی حاصل از رگرسیون به شکل زیر است:

$$Y = -4.273 + 1.133x_1 + 1.169x_2 + 1.158x_3 + 1.324x_4$$

Y: توانمندسازی

X₁: مشارکت در هدف گذاری

X₂: مشارکت در تصمیم گیری

X₃: ممشارکت در کاهش اثرات

X₄: مشارکت در تغییر و تحول

براساس جدول ۱۰، مقدار t تک تک ضرایب رگرسیون در سطح یک درصد معنی دار است. این نشان می دهد که مؤلفه های مدیریت مشارکتی تأثیر قوی و معنی داری بر پیشگویی توانمندسازی جوامع روستایی مطالعه شده دارند.

معنی دار بودن آزمون های F و t نشان دهنده ی معنی دار بودن معادله ی رگرسیون است. با این حال، معادله ی رگرسیون چیزی در مورد اهمیت نسبی متغیرهای پیش بین تحقیق بیان نمی کند. برای تعیین اهمیت نسبی متغیرهای پیش بین، باید به مقدار بتا (Beta) توجه شود. این آماره تأثیر هر متغیر پیش بین را جدا از تأثیر سایر متغیرهای پیش بین تحقیق بر متغیر ملاک نشان می دهد. بنابراین، از بین مؤلفه ها، شاخص مشارکت در تصمیم گیری و اجرا با مقدار بتا، ۰/۴۵۹ سهم بیشتری درمقایسه با سایر شاخص ها در پیشگویی متغیر ملاک تحقیق (توانمندسازی) دارد؛ به طوری که یک واحد تغییر در انحراف معیار آن باعث می شود واریانس متغیر ملاک تحقیق (توانمندسازی) به اندازه ی ۰/۴۵۹ تغییر کند.

مشارکت مردم در هر پروژه، ضامن پایداری آن است و این مسئله در موضوع خشکسالی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مسائل مربوط به خشکسالی با زندگی جوامع محلی درآمیخته است و توفیق هر نوع برنامه، نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود. بنابراین، نقش مردم در تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی در برنامه های مقابله با خشکسالی در راستای توانمندسازی، اهمیت حیاتی دارد.

- اولویت بندی روستاهای مورد مطالعه براساس شاخص های مدیریت مشارکتی و

توانمندسازی

در پایان، برای رتبه بندی اولویت بندی روستاهای مورد مطالعه براساس شاخص های مدیریت مشارکتی و توانمندسازی، از روش تاپسیس استفاده کردیم. نتایج این بخش را در جدول ۱۱ ارائه کرده ایم. براساس نتایج جدول ۱۱، روستاهایی که مدیریت مشارکتی بالاتری داشتند دارای میزان توانمندی بیشتری نیز بودند.



جدول ۱۱ اولویت‌بندی وضعیت مؤلفه‌های تحقیق در روستاهای مورد مطالعه

Table 11 Prioritizing the status of research components in the villages under study

جیرفت			عنبرآباد		
توانمندسازی	مدیریت مشارکتی	نام روستا	توانمندسازی	مدیریت مشارکتی	نام روستا
C_i^*	C_i^*		C_i^*	C_i^*	
۰/۷۹۸	۰/۸۷۱	کلدان	۰/۷۸۵	۰/۷۴۵	شهید دهقان‌پور
۰/۷۴۴	۰/۷۵۴	اسلام‌آباد	۰/۷۲۵	۰/۶۵۸	محمدآباد برومند
۰/۶۸۸	۰/۶۷۵	آب گرم	۰/۷۳۸	۰/۷۱۲	هادی‌آباد
۰/۶۷۷	۰/۶۹۸	احمدآباد	۰/۶۵۸	۰/۶۸۹	یوسف‌آباد
۰/۵۴۴	۰/۵۹۷	محمدآباد	۰/۶۷۴	۰/۵۴۷	توکل‌آباد
۰/۶۲۵	۰/۶۸۳	دامنه	۰/۶۵۲	۰/۴۵۸	روداب
۰/۴۷۲	۰/۴۶۱	مگسی	۰/۴۳۶	۰/۴۸۷	امجز بالا
۰/۴۷۷	۰/۴۶۴	چمن	۰/۳۸۵	۰/۳۶۸	سعدآباد
۰/۳۵۵	۰/۳۶۱	ابوذریه	۰/۳۸۷	۰/۴۸۵	زاخت
۰/۳۵۴	۰/۳۲۲	باغبانویه	۰/۲۸۹	۰/۳۶۵	ملک‌آباد
۰/۲۶۶	۰/۲۵۶	مارون	۰/۱۸۸	۰/۲۲۴	امجز پایین
۰/۱۸۵	۰/۱۸۷	عنایت‌آباد	۰/۲۰۱	۰/۱۴۹	کفارکی

محدودیت‌های مدیریت مشارکتی از دیدگاه کشاورزان در مقابله با خشکسالی

برای اولویت‌بندی موانع جلب مشارکت‌های جوامع محلی در مقابله با خشکسالی، از ضریب تغییرات استفاده کردیم (جدول ۱۲). نتایج ارائه‌شده نشان می‌دهند که مهم‌ترین موانع مشارکت جوامع محلی «نبودن اعتقاد به دانش بومی درمیان متخصصان و برنامه‌ریزان» و «نداشتن برنامه‌ی منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت روستاییان» بود.

معمولاً مهارت‌ها و دانش بومیان روستایی باوجود سازگاری با شرایط اقلیمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه‌ی روستایی، ازسوی دست‌اندرکاران توسعه معتبر شناخته نمی‌شود. به‌عبارت دیگر، دانش بومی در تفکر حاکم آن‌ها بی‌اعتبار است و از دیدگاه بسیاری از تحصیل‌کردگان دانشگاهی، اصول و نظریه‌های علوم رسمی از هرگونه نظام فکری دیگر برتر است. به‌باور چمبرز، برخی از پژوهشگران و دانش‌آموختگان علوم رسمی در برابر بومیان و دانش آن‌ها به شکل‌های سرزنش، فاصله‌گیری و انکار واکنش نشان می‌دهند. آن‌ها درمورد بومیان از

نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع .. _____ مسلم سواری و همکار

برچسب‌های بی‌سواد، واپسگرا، تقدیرگرا و ... استفاده می‌کنند و حاضر نیستند که باورشان کنند و برنامه‌ی کارآمدی نیز در این زمینه برای بهره‌مندی از توانایی‌های آنان ندارند.

جدول ۱۲ اولویت‌بندی موانع مدیریت مشارکتی در مقابله با خشکسالی

Table 12 Prioritizing Participatory Management Barriers to Drought

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	سنجه‌ها
۱	۰/۱۲۶	۰/۴۶۸	۳/۶۹	- نبودن اعتقاد به دانش بومی درمیان متخصصان و برنامه‌ریزان
۲	۰/۱۵۰	۰/۴۶۸	۳/۱۱	- نداشتن برنامه‌ی منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت روستاییان
۳	۰/۱۵۳	۰/۴۶۳	۳/۰۱	- توجه نداشتن به منافع کوتاه‌مدت جوامع محلی
۴	۰/۱۶۵	۰/۵۸۸	۳/۵۵	- کم‌ارزش دانستن نقش و همکاری مردم در مقابله با خشکسالی
۵	۰/۱۶۶	۰/۶۸۴	۴/۱۲	- نارضایتی از طرح‌های گذشته در مقابله با خشکسالی
۶	۰/۱۶۸	۰/۶۵۴	۳/۸۸	- بررسی نکردن نیازهای دقیق روستاییان در هنگام پیاده‌سازی طرح‌های خشکسالی
۷	۰/۱۷۵	۰/۶۴۴	۳/۶۸	- نبودن حس مالکیت و تعهد در جوامع محلی
۸	۰/۱۷۷	۰/۶۸۸	۳/۸۸	- نبود خط فکری مناسب با نیاز روستاییان
۹	۰/۱۷۹	۰/۶۵۴	۳/۶۵	- نبودن اعتماد متقابل جوامع محلی به کارشناسان دولتی
۱۰	۰/۱۸۱	۰/۷۲۳	۳/۹۹	- نبودن ارتباط مستمر میان جوامع محلی و برنامه‌ریزان
۱۱	۰/۱۸۶	۰/۶۸۲	۳/۶۵	- نبودن سازماندهی دقیق جوامع محلی در گروه‌ها برای مشارکت بهینه
۱۲	۰/۱۸۷	۰/۶۵۵	۳/۴۹	- نادیده گرفتن توانایی‌های مردم درزمینه‌ی توان مقابله با خشکسالی
۱۳	۰/۱۹۱	۰/۶۷۷	۳/۵۴	- ارائه نشدن آموزش شیوه‌های جلب مشارکت مردمی درمیان متخصصان
۱۴	۰/۱۹۲	۰/۶۳۹	۳/۳۲	- تقدیرگرا بودن جوامع روستایی و باور داشتن به تغییر ندادن و مقابله نکردن
۱۵	۰/۱۹۶	۰/۶۵۴	۳/۳۲	- ناهماهنگی و همکاری نکردن نهادهای دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد در هنگام مقابله
۱۶	۰/۲۰۳	۰/۶۳۵	۳/۱۲	- روشن نشدن اهداف طرح‌های اجرایی برای مردم و اهمیت مشارکت آنان
۱۷	۰/۲۱۱	۰/۷۲۴	۳/۴۲	- آموزش ندیدن مناسب کشاورزان برای مشارکت بهینه
۱۸	۰/۲۲۰	۰/۸۵۰	۳/۸۵	- نبودن اطلاع‌رسانی مناسب دستگاه‌های متولی درمورد اتخاذ رویکردهای مشارکتی مقابله با خشکسالی
۱۹	۰/۲۲۶	۰/۶۸۴	۳/۰۲	- کم بودن توان خطرپذیری جوامع محلی در مقابله با خشکسالی
۲۰	۰/۲۳۸	۰/۶۳۳	۲/۶۵	- برگزار نشدن کارگاه‌های مناسب برای مشارکت بهینه‌ی جوامع محلی
۲۱	۰/۲۴۱	۰/۶۸۸	۲/۸۵	- بهره نبردن از رهبران محلی در نشست‌های مرتبط با خشکسالی
۲۲	۰/۲۵۰	۰/۷۲۱	۲/۸۸	- انگیزه نداشتن مردم برای مشارکت
۲۳	۰/۳۰۳	۰/۶۶۵	۲/۱۹	- نبودن همبستگی و یکپارچگی محلی به‌دلیل اختلافات محلی



به منظور تحلیل موانع مدیریت مشارکتی در میان جوامع محلی، از روش تحلیل عاملی بهره بردیم. برای تعیین مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی، از ضریب KMO و آزمون بارتلت استفاده کردیم. مقدار KMO برابر ۰/۷۲۵ و مقدار آزمون بارتلت برابر ۱۸۴۵/۷۵۴ ($p=0.000$) بود که در سطح یک درصد معنی دار شد و در نتیجه، مشخص شد که داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در این تحلیل، ۵ عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۱ استخراج شدند که ۶۱/۵۴۳ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کردند و ۳۸/۴۵۷ درصد باقی‌مانده به عواملی مربوط بودند که در تحلیل شناسایی نشده بودند. با توجه به مقدار ویژه در جدول ۱۳، عامل اول بیشترین سهم (۳/۸۸۷) و عامل آخر (ششم) کمترین سهم (۱/۴۱۲) را در تبیین واریانس کل عامل‌ها داشتند.

جدول ۱۳: عامل‌های استخراجی با بار عاملی آن‌ها

Table 13: Factor loadings with their operating loads

شماره‌ی عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	واریانس تجمعی
۱	۳/۷۲۶	۱۶/۴۴۵	۱۶/۴۴۵
۲	۳/۳۴۶	۱۳/۵۴۱	۲۹/۹۸۶
۳	۲/۸۶۳	۱۲/۳۵۴	۴۲/۳۴۰
۴	۲/۲۴۷	۱۰/۳۲۸	۵۲/۶۶۸
۵	۲/۰۱۲	۸/۸۷۵	۶۱/۵۴۳

برای جداسازی عامل‌ها به صورت روشن‌تر، از چرخش عاملی واریماکس استفاده کردیم. بار عاملی هر متغیر پس از چرخش عاملی در جدول ۱۴ مشخص است. پس از بررسی گویه‌های (متغیرها) مربوط به هر عامل و بار عاملی آن‌ها، عوامل به صورت زیر نامگذاری شدند: ۱. موانع انگیزشی و نیازسنجی؛ ۲. موانع اقتصادی و اعتمادی؛ ۳. موانع برنامه‌ریزی؛ ۴. موانع ارتباطی و آموزشی و ۵. موانع اطلاع‌یابی.

جدول ۱۴ تحلیل عاملی موانع مدیریت مشارکتی در میان جوامع محلی

Table 14 Factor Analysis of Barriers to Participatory Management among Local Communities

۰/۷۸۶	- نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌ی توان مقابله با خشکسالی	موانع انگیزشی و نیازسنجی
۰/۶۸۴	- کم‌ارزش دانستن نقش و همکاری مردم در مقابله با خشکسالی	
۰/۶۵۵	- بررسی نکردن نیازهای دقیق روستاییان هنگام پیاده‌سازی طرح‌های خشکسالی	
۰/۶۲۴	- نارضایتی از طرح‌های گذشته در مقابله با خشکسالی	
۰/۵۲۴	- انگیزه نداشتن مردم برای مشارکت	
۰/۵۱۰	- نبود خط فکری مناسب با نیاز روستاییان	
۰/۴۸۵	- تقدیرگرا بودن جوامع روستایی و باور به تغییر ندادن و مقابله نکردن	
۰/۸۹۷	- نبودن اعتقاد به دانش بومی در میان متخصصان و برنامه‌ریزان	موانع اقتصادی و اعتمادی
۰/۷۸۸	- توجه نکردن به منافع کوتاه‌مدت جوامع محلی	
۰/۷۵۵	- نداشتن اعتماد متقابل جوامع محلی به کارشناسان دولتی	
۰/۷۴۶	- کم بودن توان خطرپذیری جوامع محلی در مقابله با خشکسالی	
۰/۶۵۲	- نبودن حس مالکیت و تعهد در جوامع محلی	موانع برنامه‌ریزی
۰/۷۳۸	- نبودن سازماندهی دقیق جوامع محلی در گروه‌ها برای مشارکت بهینه	
۰/۷۲۲	- استفاده نکردن از رهبران محلی در نشست‌های مرتبط با خشکسالی	
۰/۶۵۷	- برگزار نشدن کارگاه‌های مناسب برای مشارکت بهینه‌ی جوامع محلی	
۰/۵۸۸	- نبودن برنامه‌ی منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت روستاییان	
۰/۴۷۵	- روشن نشدن اهداف طرح‌های اجرایی برای مردم و اهمیت مشارکت آنان	
۰/۷۵۵	ارائه نشدن آموزش شیوه‌های جلب مشارکت مردمی در میان متخصصان	موانع ارتباطی و آموزشی
۰/۷۴۱	آموزش ندیدن مناسب کشاورزان برای مشارکت بهینه	
۰/۶۸۸	نبودن ارتباط مستمر میان جوامع محلی و برنامه‌ریزان	
۰/۷۲۵	ناهماهنگی و همکاری نکردن نهادهای دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد هنگام مقابله	موانع اطلاع‌یابی
۰/۶۸۲	نبودن همبستگی و یکپارچگی محلی به دلیل اختلافات درون منطقه‌ای	
۰/۵۸۴	نبودن اطلاع‌رسانی مناسب دستگاه‌های متولی در مورد اتخاذ رویکردهای مشارکتی مقابله با خشکسالی	



نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع روستایی در جنوب استان کرمان، در شهرستان‌های عنبرآباد و جیرفت، است. نتایج بررسی میزان موفقیت پروژه‌های مقابله با خشکسالی نشان داد که جوامع محلی میزان موفقیت این پروژه‌ها را در سطح متوسط ارزیابی کردند. توجه نشدن به مشارکت جوامع محلی و بهره‌نبردن از دیدگاه آنان در مراحل مختلف طراحی و اجرا منجر شده است که میزان موفقیت پروژه‌های اجرایی بسیار افت کند و در سطح پایینی قرار بگیرد. همچنین، نتایج نشان داد که رضایت چندانی از پروژه‌های مقابله با خشکسالی وجود ندارد. نارضایتی جوامع محلی از پروژه‌های اجرایی به دلیل هم‌راستا نبودن اهداف پروژه‌ها با نیاز جوامع محلی بوده است؛ بنابراین، این پروژه‌ها اثر چندان مثبتی بر معیشت خانوارهای روستایی نداشته‌اند.

نتایج اولویت‌بندی مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی در میان جوامع محلی جنوب استان کرمان براساس ضریب تغییرات نشان داد که وضعیت مشارکت در کاهش اثرات درمقایسه با بقیه مؤلفه‌ها وضعیت مناسب‌تری دارد و سه مؤلفه‌ی دیگر، یعنی مشارکت در تغییر و تحول، مشارکت در تصمیم‌گیری و مشارکت در هدف‌گذاری، کمتر از حد میانگین (۲/۵ از ۵) هستند. مؤلفه‌ی مدیریت مشارکتی با میانگین ۲/۱۶ در وضعیت نامناسبی قرار دارد. این وضعیت گویای استفاده‌ی ابزاری از مفهوم مشارکت در برنامه‌های مقابله با خشکسالی است و از مفهوم واقعی مشارکت فاصله‌ی زیادی دارد. مفهوم اصلی مشارکت مردمی در توسعه روستایی، اختیار دادن به مردم است؛ به‌طوری که کنترل امور مختلف خود را به‌دست بگیرند، اعتمادبه‌نفس بیشتری کسب کنند و تصمیم‌ها را خودشان بگیرند. نتیجه نشان می‌دهد که وضعیت مشارکت در بخش تصمیم‌گیری در پایین‌ترین سطح قرار دارد؛ درحالی که مفهوم مشارکت در تصمیم‌گیری این است که مسئولان با همکاری مردم درمورد اهداف، برنامه‌ها، فعالیت‌ها و شیوه مدیریت تصمیم‌گیری کنند. هدف از حضور مردم در این مرحله، افزایش آگاهی و حس مسئولیت‌پذیری آن‌ها است. حضور مردم در آن‌ها انگیزه ایجاد می‌کند و زمینه را برای پذیرش دستورالعمل‌های اجرایی فراهم می‌نماید. باتوجه به اینکه این بخش در مدیریت مشارکتی در پایین‌ترین سطح ممکن قرار دارد، انتظار از نتایج مثبت را در سایر مراحل کاهش می‌دهد. بنابراین، برای به نتیجه رسیدن طرح‌ها و برنامه‌های مشارکتی، حضور مردم در مراحل اجرایی طرح‌ها و در صورت امکان، پرداخت بخشی از هزینه‌ها (باتوجه به شرایط اقتصادی) ضروری است. هر قدر فعالیت‌های اجرایی بدون حضور مردم انجام شود، مردم مسئولیت‌پذیری کمتری برای حفظ و نگهداری طرح‌ها از خود نشان می‌دهند و برای رفع معایب طرح‌ها نیز تلاشی نمی‌کنند.

همچنین، در اولویت‌بندی ابعاد توانمندسازی جوامع محلی مطالعه‌شده، نتایج نشان داد که وضعیت توانمندی و ابعاد آن در میان جوامع محلی مورد مطالعه تقریباً در حد متوسط (۲/۵) و بالاتر از آن است. میزان توانمندی آنان در بعد اجتماعی- فرهنگی از اولویت بالاتری در مقایسه با سایر ابعاد توانمندسازی برخوردار است و بعد اقتصادی اولویت پایین‌تری در مقایسه با سایر ابعاد توانمندسازی دارد. دلیل پایین بودن توانمندسازی اقتصادی، علاوه بر اجرا نشدن پروژه‌های اقتصادی و در اولویت بودن طرح‌های مهار بیابان، این است که در توانمندسازی، اولویت با تلفیق دانش بومی با دانش نوین است. در رویکرد جدید (توانمندسازی)، مدیریت از پایین به بالا است؛ یعنی شرکت دادن اقشار محروم و حاشیه‌نشین جامعه برای اجرای طرح‌ها و توجه به دخالت دادن آنان در تصمیم‌گیری‌ها که در حکم وسیله‌ای برای گسترش و توزیع دوباره فرصت‌ها با هدف همیاری در توسعه و بهره‌مندی همگانی از مواهب آن است. لذا با توجه به مشارکت پایین جامعه، توانمندی اقتصادی آنان نیز در سطح پایین قرار می‌گیرد.

نتایج بخش استنباطی در قسمت همبستگی نشان داد که بین شاخص‌های مدیریت مشارکتی (مشارکت در هدفگذاری، مشارکت در تصمیم‌گیری، مشارکت در کاهش اثرات، مشارکت در تغییر و تحول) با توانمندسازی جوامع محلی رابطه‌ی مثبت و معناداری در سطح یک درصد وجود دارد؛ یعنی هرچه میزان مشارکت جوامع محلی در برنامه‌های مقابله با خشکسالی بیشتر شود، سطح توانمندی جوامع روستایی بالا می‌رود و توان مقابله‌ی آنان افزایش می‌یابد. همچنین، در تفسیر این یافته می‌توان گفت که مشارکت فعال مردم به تصمیم‌گیری‌های منطقی و در نتیجه، اثربخشی نتایج منجر می‌شود. مشارکت اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد، تنش‌ها را کم می‌کند و چالش‌های آینده را با تقویت احساس مالکیت در ذی‌نفعان محدود می‌نماید؛ در نتیجه، اهداف پروژه‌ها در راستای نیاز ذی‌نفعان پیش می‌رود و توانمندی جوامع از جنبه‌های مختلف بهبود می‌یابد. نتایج این بخش با یافته‌های آنباه و همکاران (۲۰۱۹)، شاه‌پسند و همکاران (۱۳۹۶)، ایرانزاده و زنجانی (۱۳۹۰) و احمدی بالادهی (۱۳۹۴)، مبنی بر اثرگذاری روابط اجتماعی و مشارکت بر توانمندسازی جوامع محلی، همسو است.

همچنین، نتایج رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌های مدیریت مشارکتی اثر مثبت و معنی‌داری بر توانمندسازی جوامع روستایی می‌گذارند و ۸۵/۳ درصد از تغییرات متغیر ملاک تحقیق (توانمندسازی) را پیش‌بینی می‌کنند.

توانمندسازی جوامع روستایی در شرایط خشکسالی معلول و مدیریت مشارکتی علت آن است و این دو مفهوم لازم و ملزوم همدیگر هستند. بنابراین، همانطور که قبلاً گفتیم، مشارکت



مردم در هر پروژه، ضامن پایداری آن است و این مسئله در موضوع خشکسالی اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا مسائل مربوط به خشکسالی با زندگی جوامع محلی درآمیخته است و موفقیت هر برنامه‌ای نیازمند مشارکت این جوامع خواهد بود. بنابراین، نقش مردم در تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و ارزشیابی در برنامه‌های مقابله با خشکسالی در راستای توانمندسازی از اهمیت حیاتی برخوردار است و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از بالا به پایین در تدوین پروژه‌های توانمندسازی و توجه نکردن به مشارکت‌های مردمی، شیوه‌ی مناسبی برای معیشت پایدار نخواهد بود. نتایج این بخش با مطالعات پژوهشگرانی مطابقت دارد که نتیجه گرفتند مدیریت مشارکتی بر توانمندسازی جوامع و ذی‌نفعان اثر می‌گذارد (Wallace & et-al, 2011; Luke, 2011; Cullinan, 2008; Riahi & et-al, 2013; Shehu Hussain, 2014; Odetola & et-al, 2015; Rabiul islam & et-al, 2018; Sullivan-Wily & et-al, 2019; Bado & Bationo, 2018).

همچنین، نتایج تحقیق نشان داد که مهم‌ترین موانع مدیریت مشارکتی از دیدگاه جوامع محلی «اعتقاد نداشتن متخصصین و برنامه‌ریزان به دانش بومی» و «نداشتن برنامه‌ی منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت روستاییان» بود. طبق نتایج، موانع انگیزشی و نیازسنجی، موانع اقتصادی و اعتمادی، موانع برنامه‌ریزی، موانع ارتباطی و آموزشی و موانع اطلاع‌یابی از جمله محدودیت‌های مدیریت مشارکتی جوامع در مقابله با خشکسالی بودند. در ادامه، این یافته را تفسیر می‌کنیم.

موانع انگیزشی و نیازسنجی

مدیریت نامناسب طرح‌های توانمندسازی مقابله با خشکسالی در گذشته منجر شده است که خانوارهای روستایی از انگیزه‌ی کافی برای مشارکت برخوردار نباشند و از سوی دیگر، بسیاری از جوامع روستایی حاضر نیستند فعالیت‌های پیشین خود را تغییر دهند و از ریسک‌پذیری پایین‌تری برخوردار هستند. مؤلفه‌ی موانع انگیزشی به‌عنوان مهم‌ترین مانع مدیریت مشارکتی با مقدار واریانس ۱۶/۴۴۵ شناخته شد. این محقق در این تحقیق در این زمینه بیشتر به مواردی مانند نادیده گرفتن توانایی‌های مردم در زمینه‌ی توان مقابله با خشکسالی به‌عنوان مهم‌ترین عامل اشاره کرده است. بنابراین، همانطور قبلاً گفتیم، بسیاری از کارشناسان دولتی، اعتقاد راسخی به دانش بومی روستاییان ندارند. همچنین، این عامل به موارد دیگری چون کم‌ارزش دانستن نقش و همکاری مردم در مقابله با خشکسالی، بررسی نشدن نیازهای دقیق روستاییان در هنگام پیاده‌سازی طرح‌های خشکسالی، نارضایتی از طرح‌های گذشته در مقابله

با خشکسالی، نبود خط فکری مناسب با نیاز روستاییان و تقدیرگرا بودن جوامع روستایی اشاره دارد.

موانع اقتصادی و اعتمادی

دومین مؤلفه‌ی مهم مانع مدیریت مشارکتی ازدیدگاه جوامع محلی با مقدار واریانس ۱۳/۵۴۱ موانع اقتصادی و اعتمادی بود. بسیاری از پروژه‌های توانمندسازی از منافع کوتاه‌مدت برای جوامع روستایی غفلت می‌ورزند و بیشتر بر مبنای منافع بلندمدت طرح‌ریزی می‌شوند. با توجه به فقر و تنگدستی که مخصوصاً در شرایط خشکسالی در میان جوامع روستایی وجود دارد، باید به این موضوع مهم توجه شود. از سوی دیگر، متأسفانه اعتماد متقابل بین جوامع روستایی و کارشناسان وجود ندارد. کارشناسان معمولاً روستاییان را افراد سنتی و بدون دانش رسمی می‌دانند و روستاییان نیز به کارشناسان به‌عنوان متولیان دولتی نگاه می‌کنند. بنابراین، باید با فرهنگ‌سازی مناسب، این مشکل مهم برطرف و اصلاح شود. به‌طور کلی، این مقوله به مواردی مانند اعتقاد نداشتن متخصصان و برنامه‌ریزان به دانش بومی، توجه نکردن به منافع کوتاه‌مدت جوامع محلی، نداشتن اعتماد متقابل جوامع محلی به کارشناسان دولتی، کم بودن توان خطرپذیری جوامع محلی در مقابله با خشکسالی و نبودن حس مالکیت و تعهد در جوامع محلی اشاره دارد.

موانع برنامه‌ریزی

از مهم‌ترین موانع برنامه‌های توانمندسازی برای مقابله با خشکسالی نبودن برنامه‌ریزی مناسب است که نشان‌دهنده‌ی نداشتن برنامه‌ی جامع برای مشارکت دادن جوامع محلی در قسمت‌های مختلف (تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع) است. بسیاری از برنامه‌هایی که به شیوه‌ی متمرکز تهیه می‌شوند، دارای رویه‌ی خشک و بدون انعطاف لازم برای جلب مشارکت‌های مردمی است. از سوی دیگر، برنامه‌های غیرمتمرکز نیز از حمایت لازم برخوردار نیستند و در نتیجه، نیاز به تغییر رویکرد برنامه‌های مقابله با خشکسالی بسیار احساس می‌شود. این مؤلفه به‌عنوان سومین موانع مدیریت مشارکتی در این تحقیق با مقدار واریانس ۱۲/۳۵۴ شناخته شد و به مباحثی مانند نبودن سازمانده‌ی دقیق جوامع محلی در گروه‌ها برای مشارکت بهینه، استفاده نکردن از رهبران محلی در نشست‌های مرتبط با خشکسالی، برگزار نشدن کارگاه‌های مناسب برای مشارکت بهینه‌ی جوامع محلی، نداشتن برنامه‌ی منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت روستاییان و روشن نشدن اهداف طرح‌های اجرایی برای مردم و اهمیت



مشارکت آنان اشاره دارد. این مؤلفه بیان می‌کند که برنامه‌ای کارآمد و منطقی برای بهره‌گیری از مشارکت و ظرفیت جوامع محلی وجود ندارد.

موانع ارتباطی و آموزشی

مانع چهارم مدیریت مشارکت در راستای توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی موانع آموزشی و ارتباطی است که ۱۰/۳۲۸ درصد از واریانس کل عامل‌ها را تبیین می‌کند. مشارکت مستمری میان جوامع روستایی و مدیران اجرایی وجود ندارد و این مانع در همه‌ی طرح‌های توسعه‌ی روستایی دیده می‌شود. مشارکت به‌صورت پروژه‌ای است و با اتمام پروژه، دیگر ارتباط مدیران اجرایی با جوامع روستایی قطع می‌شود. ازسوی دیگر، جوامع روستایی از مهارت لازم برای مشارکت بهینه در طرح‌های توانمندسازی برخوردار نیستند و باید این خلاء آموزشی برطرف شود. این عامل به‌طور کلی شامل مواردی مانند آموزش داده نشدن شیوه‌های جلب مشارکت مردمی به متخصصان، آموزش ندیدن مناسب کشاورزان برای مشارکت بهینه و نبودن ارتباط مستمر میان جوامع محلی و برنامه‌ریزان است.

موانع اطلاع‌یابی

پنجمین عامل موانع مدیریت مشارکتی موانع اطلاع‌یابی با مقدار واریانس ۸/۸۷۵ بود. این عامل به این مفهوم اشاره دارد که مدیریت واحدی در زمینه‌ی راهبری و توانمندسازی خانوارهای روستایی برای بهره‌بردن از مدیریت مشارکتی آنان وجود ندارد و این تداخل وظایف بین سازمان‌های مختلف به اقدامی اساسی و بهنگام در شرایط خشکسالی منجر نمی‌شود. ازسوی دیگر، سازمان‌هایی که در این زمینه انجام وظیفه می‌کنند هماهنگی لازم را با سازمان‌های مردم‌نهاد در این زمینه ندارند. بنابراین، اگر سازمان‌های دولتی اعتماد سازمان‌های مردم‌نهاد را جلب کنند، می‌توانند از ظرفیت آن‌ها برای بهره‌برداری مثبت از مدیریت مشارکتی استفاده کنند. این عامل به‌طور کلی شامل مواردی مانند ناهماهنگی و همکاری نکردن نهادهای دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد هنگام مقابله، نبودن همبستگی و یکپارچگی محلی به‌دلیل اختلافات درون‌منطقه‌ای و نبودن اطلاع‌رسانی مناسب دستگاه‌های متولی در مورد اتخاذ رویکردهای مشارکتی مقابله با خشکسالی است.

پیشنهادات

- افزایش سرمایه‌های اجتماعی و آگاه‌سازی از فواید مشارکت همراه با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح برای مشارکت روستاییان در طرح‌های مقابله با خشکسالی به‌منظور ظرفیت‌سازی و افزایش توان مقابله‌ی آنان برای کاهش اثرات خشکسالی.
- ارائه‌ی روش‌های مقابله و سازش با خشکسالی ازسوی کارشناسان هواشناسی و تلفیق آن با دانش بومی روستاییان به‌منظور ارتقاء کارایی و اثربخشی روش‌ها و پذیرش آن ازسوی جامعه‌ی محلی.
- از آنجا که نارضایتی کشاورزان مورد مطالعه از طرح‌های مقابله با خشکسالی و مشارکت کم آن‌ها در طرح‌ها سبب بی‌انگیزگی آن‌ها برای ادامه‌ی زندگی در مناطق روستایی شده است، پیشنهاد می‌دهیم که دولت با استفاده از اهرم‌هایی که در اختیار دارد، همچون اعطای تسهیلات و وام به مناطق دچار خشکسالی، برای ماندن روستاییان انگیزه ایجاد کند تا از این طریق، توان سازش آن‌ها با خشکسالی افزایش یابد.
- باتوجه به اینکه توانمندی اقتصادی درمیان جوامع روستایی مورد مطالعه درمقایسه با سایر ابعاد در سطح پایین‌تری قرار دارد، پیشنهاد می‌دهیم که دولت زمینه‌ی لازم را برای ایجاد تعاونی‌ها و صندوق‌های اعتباری خرد درمیان جوامع فراهم کند تا سطح توانمندی اقتصادی و بالتبع توان مشارکتی آنان بهبود یابد.
- جوامع محلی درباره‌ی انجام و راه‌اندازی پروژه‌های محلی، مانند تعاونی‌ها و انجمن‌های محلی و ... ، آموزش یابند؛ زیرا ایجاد چنین تشکلهایی در میزان توان مشارکتی جوامع محلی و نیز میزان توانمندی آنان مؤثر خواهد بود.

منابع

- احمدی بالادهی، سید مهدی. (۱۳۹۴). «مدیریت مشارکتی و رابطه‌ی آن با توانمندسازی کارکنان». *دومین سمپوزیوم بین‌المللی علوم مدیریت با محوریت توسعه‌ی پایدار*. صص ۴۱.
- اسکندری دامنه، حامد؛ زهتابیان، غلامرضا؛ سلاجقه، علی؛ قربانی، مهدی و حسن خسروی. (۱۳۹۷). «تأثیر تغییرات کاربری اراضی بر کمیت و کیفیت منابع آب زیرزمینی حوضه‌ی غرب تالاب جازموریان». *مرتع و آبخیزداری*. ش ۷۱ (پیاپی ۳). صص ۵۶۳-۵۸۷.

- اصغری لقمجانی، صادق؛ شهرکی، عیسی و مهدی نادریان‌فر. (۱۳۹۴). «موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی خانوارهای روستایی مورد: مددجویان تحت پوشش کمیته‌ی امداد در سیستان». *اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی*. س ۵. ش ۱. صص ۱۰۳-۱۲۴.
- ایرانزاده، سلیمان و سعید زنجانی. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه‌ی مدیریت مشارکتی با توانمندسازی و سلامت روحی معلمان زن». *زن و مطالعات خانواده*. س ۴. ش ۱۴. صص ۶۵-۸۳.
- پاریاب، جابر؛ زمانی میاندهتی، ناصر؛ پزشکی راد، غلامرضا و حبیبه جمالی. (۱۳۹۳). «نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس (مطالعه‌ی موردی: تعاونی زنان همایجان سپیدان)». *پژوهش‌های روستایی*. س ۱. ش ۱. صص ۴۵-۷۰.
- حیدری ساربان، وکیل و سهیلا باختر. (۱۳۹۴). «بررسی راهکارهای مقابله با خشکسالی در مناطق روستایی از دیدگاه کارشناسان جهاد کشاورزی، مطالعه موردی استان اصفهان». *جغرافیا و مطالعات محیطی*. ش ۱۵. صص ۱۹-۳۴.
- خورانی، اسدالله و محمد خواجه. (۱۳۹۳). بررسی هم‌زمانی روند خشکسالی و افت سطح آب‌های زیرزمینی (مطالعه‌ی موردی دشت داراب). *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. د ۱۸. ش ۲. صص ۵۸-۷۹.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد. (۱۳۸۹). *توانمندسازی، دایره‌المعارف سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌ها*. تهران: وزارت کشور.
- شاه‌پسند، محمدرضا؛ سواری، مسلم و ولی‌الله سارانی. (۱۳۹۶). «نقش رسامی‌های اجتماعی بر کیفیت زندگی کشاورزان شهرستان دیواندره». *تحقیقات و توسعه‌ی کشاورزی ایران*. د ۲. ش ۳. صص ۴۳۱-۴۴۱.
- عابدی سروستانی، احمد؛ قربانی، خلیل و گوهر خاکسار مقدم. (۱۳۹۷). «بررسی روش‌های مقابله با خشکسالی توسط کشاورزان (مطالعه‌ی موردی: شهرستان شیروان استان خراسان شمالی)». *جغرافیا و پایداری محیطی*. ش ۲۸. صص ۱۳-۳۱.
- علوی‌زاده، سید امیرمحمد و علی ایزدی. (۱۳۹۷). «تحلیل اثرات خشکسالی بر ساختارهای اقتصادی خانوارهای روستایی، مورد: دهستان کویر در شهرستان خلیل‌آباد». *اقتصاد فضا و توسعه‌ی روستایی*. ش ۲۳. صص ۱۸۳-۲۰۲.

- عنابستانی، علی اکبر؛ صادقلو، طاهره و کبریا مرادی. (۱۳۹۷). «نقش مدیریت پروژه‌های کارآفرینانه در توانمندسازی زنان روستایی، مورد: اعضای نظام صنفی کشاورزی شهرستان محلات». *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*. ش ۱. صص ۲۰۳-۲۱۹.
- عوض پور، لیلا؛ قربانی، مهدی و رضا عرفان زاده. (۱۳۹۶). «تحلیل موقعیت کنشگران و سرمایه اجتماعی ذی نفعان در راستای مدیریت مشارکتی سیستم‌های اجتماعی-اکولوژیک (مطالعه‌ی موردی روستای حق‌الخواجه، شهرستان میامی، استان سمنان)». *مرتع و آبخیزدای (منابع طبیعی ایران)*. د ۷۰. ش ۲. صص ۴۳۵-۴۴۸.
- فنی، زهره؛ خلیل‌اللهی، حسینعلی؛ سجادی، ژیلا و محمود فال سلیمان. (۱۳۹۵). «تحلیل دلایل و پیامدهای خشکسالی در استان خراسان جنوبی و شهر بیرجند». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. د ۲۰. ش ۴. صص ۱۷۵-۲۰۰.
- قربانی، مهدی؛ موسوی، هما و بهناز اسماعیلی. (۱۳۸۷). «تحلیل سرمایه اجتماعی در راستای مدیریت مشارکتی مناطق خشک». *تحقیقات مرتع و بیابان ایران*. ج ۲۵. ش ۲. صص ۳۷۸-۳۸۷.
- کشاورز، مرضیه و عزت‌الله کرمی. (۱۳۸۸). «واکاوی پیامدهای خشکسالی استان فارس». *دومین همایش ملی اثرات خشکسالی و راهکارهای مدیریت آن*. مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی اصفهان.
- https://www.civilica.com/Paper-NSDEM02-NSDEM02_140.html
- کلانتری، خلیل. (۱۳۹۱). *مدل‌های کمی در برنامه‌ریزی (منطقه‌ای، شهری و روستایی)*. تهران: نشر فرهنگ صبا.
- کلهرنیا گلکار، مهدی؛ سلطانی، علی و محسن کلهرنیا گلکار. (۱۳۹۶). «نقش واسطه‌ای توانمندسازی روان‌شناختی و کیفیت زندگی کاری در ارتباط بین رهبر تحول‌آفرین با عملکرد کارکنان». *مدیریت منابع در نیروی انسانی*. س ۵. ش ۱۸. صص ۲۰۹-۲۳۸.
- نسب‌پور، سحر؛ حیدری علمدارلو، اسماعیل؛ خسروی، حسن و علی وصالی. (۱۳۹۷). «پهنه‌بندی آسیب‌پذیری از خشکسالی در ایران با استفاده از مدل AHP و منطق فازی». *هواشناسی کشاورزی*. ج ۶. ش ۲. صص ۳-۱۲.
- نیازآذری، کیومرث و مریم تقوایی یزدی. (۱۳۹۳). «ارائه‌ی الگوی توانمندسازی مدیران واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی استان مازندران». *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. ش ۲. صص ۱۵۹-۱۸۰.



- وحیدی ساریان، وکیل؛ باختر، سهیلا و وحید طالعی حور. (۱۳۹۵). «ارزیابی و تأثیر مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بر توانمندسازی زنان روستایی، مطالعه‌ی موردی دهستان شیان، شهرستان اسلام‌آباد غرب». *زن و جامعه*. س ۷. ش ۴. صص ۲۳-۵۰.
- یوسفی، رضا؛ آقازاده، سمیرا؛ اکبری، ناصر و بهرام تقی‌زاده. (۱۳۹۴). «بررسی نقش مدیریت مشارکتی در بهبود فرآیند مدیریت انسانی». *کنفرانس‌های بین‌المللی پژوهش‌های نوین مدیریت، اقتصاد و حسابداری*. استانبول: مؤسسه‌ی مدیران ایده‌پرداز پایتخت ایلیا.
- Abayomi, A., & Abadat, A., (2014), The Roles of Selected NGOs in Economic Empowerment of Rural Women in Ibadanland, Nigeria. *Academy of Management Journal*, 39: PP.483–504.
- Abedi Sarvestani, A. Ghorbani, Kh. Khaksar Moghaddam, G. (2018). Investigation of drought-response methods by farmers (Case Study: Shirvan County, North Khorasan Province). *Geography and Environmental Sustainability*, No. 28, pp. 13-31. (In Persian).
- Adalat Gostar, M, D., Farzadian, A., Amiri, S. N. 2010. Presentation of Stochastic Model for Drought Forecasting in Shiraz . The National Conference on Water Crisis Managemen. Islamic Azad University of Marvdasht, P 124.
- Ahadi Baladehi, M. (2015). Participatory management and its relationship with employee empowerment. *Second International Symposium on Management Science Focusing on Sustainable Development*, Iran, 41. (In Persian).
- Alavi Zadeh, A. M. Izadi, A. (2018). Analysis of Drought Effects on Economic Structures of Rural Households in Desert in Khalil Abad County. *Quarterly journal of space economics and rural development*. Vol 23, Pp 183-202. (In Persian).
- Aliani, M.S. (2015). An Analysis on the Social Participation of Villagers in Sustainable Rural Development Programs with an Emphasis on Rural Society in Iran. *Journal of Social Development Studies of Iran*, 3, 69-80.

- Allen, J (1993). Friends and neighbors: Knowledge and campaigning in London' in mobilizing the community; local politics in. The era of the Global city Eds R fisher, J king (sage, London). Pp 223-245.
- Al-Subaiee, F. S., Al-Ghobari, H. M., Baig, M. B., EI-Hagi, E. A., & Abu-Riziga, M. T. (2013). Studies on adoption of irrigation methods by the date palm farmers in Al-Qasim area, Kingdom of Saudi Arabia. *Bulgarian Journal of Agricultural Science*, 19(6), 1337-1345.
- Anabestani, A. A. Sadeghloo, T. Moradi, K. (2018). The Role of Entrepreneurial Project Management in Empowering Rural Women Case: Members of the Agricultural Guild of Mahallat County. *Quarterly journal of space economics and rural development*. Nuo 1, pp. 203-219. (In Persian).
- Aniah, Ph. Katherine, M. Ayemobilla, J. (2019). Smallholder farmers' livelihood adaptation to climate variability and ecological changes in the savanna agro ecological zone of Ghana. *Heliyon*, Volume 5, Issue 4, 145.
- Antonio, T., Ianawati, S., Wiriana, T.A. and Christina, L. 2014. Correlations creativity, intelligence, personality, and entrepreneurship achievement, The 5th Indonesia International Conference on Innovation, *Entrepreneurship, and Small Business*, 1 (15):251-257.
- Asghari Lafmajani, S. Sharaki, J. Naderian Far, M. (2015). Barriers to Economic and Social Empowerment of Rural Households Case: Patients covered by the Relief Committee in Sistan. *Quarterly Journal of Rural Space and Rural Development*, Vol. 5, No. 1, pp. 103-124. (In Persian).
- Asseng, S., Zhu, Y., Wang, E., & Zhang, W. (2015). Crop modeling for climate change impact and adaptation. In *Crop Physiology* (pp. 505-546). Academic Press San Diego.
- Avazpour, L. Ghorbani, M. Erfanzadeh, R. (2017). Analysis of the position of actors and social capital of stakeholders in the context of participatory management of socio-ecological systems (Case study of Hagh al-Khajeh village, Miami city, Semnan province). *Journal of Iranian Natural Resources*. 70(2), Pp 435-448. (In Persian).



- Babaer B, (1986). Strong Democracy; Participatory politics for a new age (university of California press, Berkeley, CA), 521.
- Bado, V. B. and Bationo, A. (2018). Chapter One - Integrated Management of Soil Fertility and Land Resources in Sub-Saharan Africa: Involving Local Communities. *Advances in Agronomy*, Volume 150, 2018, Pages 1-33.
- Bishop-Fitzpatrick, L., Mazefsky, C. A., & Eack, S. M. (2017). The combined impact of social support and perceived stress on quality of life in adults with autism spectrum disorder and without intellectual disability. *Autism*, 1362361317703090. Pp 524.
- Bodin, Ö. and Prell, C. (2010). Social network analysis in natural resource governance: summary and outlook, Pp 218.
- Boyte. H. (1989). *Common Wealth: A Return to Citizen Politics* free, New York, 741.
- Boley, B. B., Maruyama, N., & Woosnam, K. M. (2015). Measuring empowerment in an eastern context: Findings from Japan. *Tourism Management*, 50, 112-122.
- Calvosa, C., Chuluunbaatar, D. and Fara, K. (2009). Livestock and climate change. International Fund for Agricultural Development. 20p.
- Chakoshi, B., (2009). Investigating the environmental aspects of drought and flood phenomena", National Conference on Measures to Address Water Crisis, Jahad-e Daneshgahi, Kerman, 9-10 March 2009. 25.
- Cremades, R., Wang, J., & Morris, J. (2015). Policies, economic incentives and the adoption of modern irrigation technology in China. *Earth System Dynamics*, 6, 399-410.
- Cullinan, Blined, Farrav R. (2008). Organization-harm. Vs. organization- gain ethical issues: an exploratory examination of the effects. Of organizational commitment. *J Business Ethics*, P. 80: 225-235.
- Dadvarkhani, F. Malekan, H. Azmi, A. & Ahmadi, R. (2013). Comparative study of social capital in promoting rural development, Case Study: Rural Godin, city Kangavar. *Spatial planning*, vol 3, no3, pp 125-144.

- Diiro, G. M. Seymour, G. Kassie, M. Muricho, G. and Muriithi, B. W. (2018), Women's empowerment in agriculture and agricultural productivity: Evidence from rural maize farmer households in western Kenya, *Plos One*, 13(5): 1-27.
- Drolet, J. (2011), Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt, *International Social work*, 54 (5): 629-645.
- Drolet, J., (2010), Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt, *International Social Work*. Pp 219.
- Dust, S. B., Resick, C. J., Margolis, J. A., Mawritz, M. B. & Greenbaum, R. L. (2018). Ethical leadership and employee success: Examining the roles of psychological empowerment and emotional exhaustion. *The Leadership Quarterly*. 10.1016/j.leaqua.2018.02.002. Pp 231.
- Elsheikh, S., & Elamin, S., (2013), The Economic Empowerment of Urban Women in Sudan: Empirical Analysis. *The Journal of American Academy of Business*, Cambridge Vol. 19, No.1. Pp 126.
- Eskandari Damaneh, H. Zehtabian, GH. Salajegheh, A. Ghorbani, M. Khosravi, H. (2018). Effect of Land Use Land Changes on the Quantity and Quality of Groundwater Resources in the West Basin of Jazmourian Lagoon. *Pasture and Watershed Journal*, 71(3), Pp 563-587. (In Persian).
- Evans, E. N., (2010), Liberation Theology, Empowerment Theory and Social Work Practice with the Oppressed *International Social Work*, PP.234-235.
- Fani, Z. Halil Elahi, H. Sajadi, Zh. Falsoliman, M. (2016). Analysis of the causes and consequences of drought in South Khorasan Province and Birjand. 20 (4), 175-200. (In Persian).
- Fazey, I., Moug, P., Allen, S., Beckmann, K., Blackwood, D., Bonaventura, M., Burnett, K., Danson, M., Falconer, R., Gagnon, AS. and Harkness, R. (2018). Transformation in a changing climate: a research agenda. *Climate and Development*, 10(3), 217-197.
- Fetterman, D.M. (2013). Empowerment Evaluation in the Digital Villages: Hewlett-Packard's 15 Million Race Toward Social Justice. Stanford: Stanford University Press.



- Ghaseminejad, S., Soltani, S., Soffianian, A. 2014. Drought Risk Assessment in Isfahan Province. *Journal of Water and Soil Science*, 18 (68): 213-226.
- Ghorbani, M. Dehbozorgi, M. (2014). Stakeholders' Analysis, Social Power and Network Analysis in Natural Resources Co-Management, *Journal of Rangeland and Watershed Management*. 67(1), PP. 141-157.
- Ghorbani, M. Mosavi, H. Esmaili, B. (2008). Social capital analysis in the context of participatory management of arid regions. *Quarterly Journal of Rangeland and Desert Research*, 25(2), 378-387. (In Persian)
- Golmohammadi, M. Mesah Bovani, A. (2011). Investigation of changes in severity and period of drought reversal in Qara-Souz basin in future periods affected by climate change, *Water and Soil Journal*, 25(2), 315-326. (In Persian)
- He, B., Wu, J., Lu, A., Cui, X., Zhou, L., Liu, M., Zhao, L. 2018. Quantitative assessment and spatial characteristic analysis of agricultural drought risk in China. *Natural Hazards*, 66(2): 155-166.
- Hidari Sarban, V. Bakhtar, S. (2015). The study of drought coping strategies in rural areas from the viewpoint of experts in Jihad-e-Agriculture Case study of Isfahan Province. *Journal of Geography and Environmental Studies*, Vol 15, Pp 19-34. (In Persian).
- Hollmann, R., Merchant, C.J., Saunders, R., Downy, C., Buchwitz, M., Cazenave, A., Chuvieco, E., Defourny, P., de Leeuw, G., Forsberg, R. and Holzer-Popp, T. (2013). The ESA climate change initiative: Satellite data records for essential climate variables. *Bulletin of the American Meteorological Society*, 94(10), 1541-1552.
- Howitt, R., MacEwan, D., Medellín-Azuara, J., Lund, J. and Sumner, D. (2017). Economic analysis of the 2017 drought for California agriculture. University of California, Davis, Pp 521.
- Huang, Jiatao. (2017) the relationship between employee psychological empowerment and proactive behavior: self-efficacy as mediator. *Social Behavior & Personality: an international journal*, Vol. 45 Issue 7, p1157-1165. 9p. DOI: 10.2224/sbp.6609.

- Hyland, J. J., Jones, D. L., Parkhill, K. A., Barnes, A. P., & Williams, A. P. (2015). Farmers' perceptions of climate change: identifying types. *Agriculture and Human Values*, 1-17.
- Ifeanyi-obi C.C., Etuk U.R. and Jike-wai O. (2012) , Climate Change, Effects and Adaptation Strategies; Implication for Agricultural Extension System in Nigeria. *Greener Journal of Agricultural Sciences*, ISSN: 2276-7770. Vol. 2 (2), pp. 053-060, March 2012.
- Iranzadeh, S. Zanjani, S. (2011). Investigating the relationship between participatory management and empowerment and mental health of female teachers. *Women's Family Studies Quarterly*, 4(14), 65-83. (In Persian).
- Jacobs, B, (1992). *Fractured Cities Capitalism, Community, and Empowerment in Britain and America* (Rutledge, New York), 41.
- Jia, J.X., Han, L.Y., Liu,Y., He,N., Zhang, Q., Wan, X., Zhang, Y., & Hu, J. (2016). Drought risk analysis of maize under climate change based on natural disaster system theory in Southwest China. *Acta Ecologica Sinica*, 36: 340–349.
- Ju, H., Velde, M., Lin, E., Xiong, W., Li, Y. (2013). The impacts of climate change on agricultural production systems in China. *Climate Change*, 120:313–324.
- Kalantari, Kh (2012). *Quantitative models in planning (regional, urban and rural)*. Tehran: Kabul Saba Publishing. (in Persian)
- Kaldi, A. Salahshouri, P. (2012). The study of the effect of social support on women empowerment. *Journal of Social Development Studies of Iran*, 4(4), 7-22.
- Keshavarz, M., Karami, E. (2009). Examining the Drought Consequences of Fars Province. Second National Conference on Drought Effects and Management Tools, Available https://www.civilica.com/Paper-NSDEM02-NSDEM02_140.html. (In Persian)
- Keshavarzi, V. and Moazedi, A. 2012. Participation of farmers and agricultural water users in the collaborative management of groundwater resources.



International Conference on traditional Knowledge for Water Resources Management. 21-23 February. Yazd. Iran.

- Khadka, Ch. Prasad Aryal, K. Edwards-jonasova, M. Upadhyaya, A. Nabin, D. Cudin, P. Vacik, H. (2018). Evaluating participatory techniques for adaptation to climate change: Nepal case study. *Forest Policy and Economics*, Volume 97, December 2018, Pages 73-82.
- Khorani, A. Khajeh, M. (2014). Study of drought trends and groundwater subsidence over time (Case study of Darab Plain). *Quarterly Journal of Space Planning and Design*, 18(2), 58-79. (In Persian).
- Klharnia Golkar, M. Soltani, A. Klharnia Golkar, M. (2017). Mediating role of psychological empowerment and quality of life of the cart in relation between transformational leader and employee performance. *Quarterly Journal of Resource Management in Police*, Vol. 5, No. 18, pp. 209-238. (In Persian).
- Kurukulasuriya, P., Mendelsohn, R., Hassan, R., Benhin, J., Deressa, T., Diop, M. & Dinar, A. (2006). Will African agriculture survive climate change?. *The World Bank Economic Review*, 20(3), 367-388.
- lake , R, (1994) vegetitioting Local autonomy' Political geography , 13, 423-442.
- Luke Jones. (2011), Time and Information Processing: Is Clock Time the Same as Brain Time. Presented at British Psychology Society Cognitive Psychology Section Annual Meeting. Keele University. EScholarID:130-132.
- Malhotra, A., S. R. Schuler and C, Boender (2002). Measuring women's Empowerment as a variable in international development" Gender and Development group' World Bank, Washington, DC, 412.
- Mardy, T., Nasiruddin, M., Sarker, M. A., Roy, D., Dunn, E. S. (2018) Assessing Coping Strategies in Response to Drought: A Micro Level Study in the North-West Region of Bangladesh, *Climate*, 6 (2), pp. 23.
- Maynard, M. T., Gilson, L. L. & Mathieu, J. E. (2012). Empowerment –Fad or fab? A multilevel review of the past two decades of research. *Journal of Management*, 38(4),1231–1281.

- McClendon, B, (1993). The Paradigm of Empowerment' *Journal of the American planning Association* 59, pp 145-147.
- Mohammadi yeganeh, B., Rezaie, H., Cheraghi, M., (2012), Analysis of drought effects on the economics of rural areas in Abarkouh County during the period of 1997-2007, *Regional planning*, 2: 27-38.
- -Mohammadi Moghadam M, Mobaraki H, Kamali M, Esmaeili A. [Effect of community-based rehabilitation program on qual-ity of life for people of 15-65 years old with severe and pro-found hearing loss in the city of Sabzevar. *Modern Rehabilitation Journal*. 2015; 9(2):16-24.
- Mubaya, CP. and Mafongoya, P. (2017). The role of institutions in managing local level climate change adaptation in semi-arid Zimbabwe. *Climate Risk Management*, 16, 93-105.
- Nasabpour, S. Haydari Alamdarloo, E. Khosravi H. (2019). vasali, Drought vulnerability mapping using AHP and Fuzzy Logic in Iran, *Journal of Agricultural Meteorology*, Vol. 6, No. 2, Autumn & Winter 2019, pp. 3-12. (In Persian).
- Niyazi, K. Taghvaie Yazdi, M. (2014). Presentation of empowerment model of managers of Islamic Azad University of Mazandaran. *Journal of Research in Educational Management*, Islamic Azad University, Marvdasht Unit, No. 2, pp. 159-180. (In Persian).
- Odetola, S.K., Awoyemi, T. T., & Ajijola, S. (2015). Impact of Cooperative Society on Fish Farming Comercialization in Lagos State, Nigeria. *African Journal of Agricultural Research*, 10(18): 1982-1988.
- -Onyx, J. & Bullen, P. (2005). Measuring social capital in five communities, 1 capital and its influencing factors among rural residents (case study, Uramanat area Kermanshah Province), *Journal of Rural Planning*, 2(4): no51, 52.
- Oxfam. (1995). *The Oxfam handbook of relief and development*, Oxfam, Oxford.



- Paryab, J. Zamani mian dashti, N. Pezeshki Rad, G. Jamali, H. (2014). Role of Manufacturing Cooperatives in Empowerment of Rural Women in Fars Province (Case Study: Cooperative Women of hemayjan Sepidan), *Rural Studies*, Year 1, No. 1, pp. 45-70. (In Persian).
- Pelling, M., O'Brien, K., Matyas, D., (2015), Adaptation and transformation, *Climate Change*, 133 (1): 113-127.
- -Pourtaheri, M., Roknoddineftekhari, A. R., Kazemi, N. (2013). The role of drought risk management approach in reducing socio-economic vulnerability of rural farmers from the point of view of officials and experts, Case study: Sulduz rural district, Western Azerbaijan, *Rural Researches*, 4: 1-22.
- Pettit, J. (2012). «Empowerment and participation: Bridging the gap between understanding and practice». Institute of Development Studies. Pp 19.
- Rabiul islam, M. Ingham, V. Hicks, J. Kelly, E. (2018). From coping to adaptation: Flooding and the role of local knowledge in Bangladesh. *International Journal of Disaster Risk Reduction*. Volume 28, June 2018, Pages 531-538.
- Raglado, j, Martinez, G (1991). Reapportionment and Coalition building: a case study of informal barriers' to Latino Empowerment in los Angeles county in Latinos and Political Coalitions: Political Empowerment for the 1990s EDs R Villarreal, N., Hernandez (Greenwood press, new York) pp 136-143.
- Rapport, J (1984). Studies Empowerment: introduction to the issue' Prevention in human services 3, 1-7.
- Riahi, V., Jamshidi, A., Jamini, D. and cheraghi, R., 2013. Evaluating the social.
- Shahpasand, M. Savari, M. Sarani, V. (2017). The role of social capital on the quality of life of farmers in the city of Divandarreh. *Economic Research and Agricultural Development*, 2(3), 431-441. (In Persian).
- -Rostami, F. Mohamadi, M.A. Ali Abadi, V. & Karimian, N. (2013). Status of social capital among rural women heads of households, social welfare, vol13, *Journal of Applied Behavioral Science*, Vol. 36 (1), 23-42.

- -Sharma S, Gupta A (2017), The Everyday lives and coping Strategies of women in Delhi; Discerning roots of Psychological Empowerment-An Ethnographic Study, International Journal of Indian Psychology, Volume 4, Issue 2, No. 96, 12-19.
- Sharafi, L., Zarafshani, K. (2012) . [The starting point for risk management in drought vulnerability assessment Case study: Zahab, Islamabad West, (Persian)]. Journal of Regional Plan-ning, the first issue, Spring, pp. 43-56
- Shehu Hussain, M. (2014). The Role of Cooperative Organizations in Rural Community Development in Nigeria Prospects and Challenge. *Academic Research International*, 5(3): 189-197.
- Solh, M., M. Ginkel, (2014). Drought preparedness and drought mitigation in the developing world's drylands, J. Weather and Climate Extremes. 3:62-66.
- Strzelecka, M., Boley, B. B., & Woosnam, K. M. (2017). Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered?. *Annals of Tourism Research*, 66, 61-73.
- Sullivan-Wily, K. A. Short Gianotti, A. G. Casellas Connors, J. P. (2019). Mapping vulnerability: Opportunities and limitations of participatory community mapping. *Applied Geography*, Volume 105, April 2019, Pages 47-57.
- Tavakolinia, G., Paknahad, M., Raeisi, H. and Aghaee, P. (2016). Assessing the social challenges imposed by the drought crisis on sustainable rural development (case study: Miandeh village of Shabikooch District). *Territory Geographic Quarterly*, 13(49): 13-28.
- Tesfy, A., Tadele, H. (2013). The Role of Cooperative in Promoting Socio-Economic Empowerment of Woman: Evidence from Multipurpose Cooperative Societies in South-Eastern Zone of Tigtay, Ethiopia. *International of Community Development*, 1(1): 1-11.
- Thomas, K.W. & Velthouse, B.A. (1990). Cognitive elements of empowerment: an ' erpre ve' de fr s sk v . *Academy of Management Review*, 15 (4), 661-681



- Tinker, I (1990). *Persistent Inequalities* (oxford university university press oxford)
- Turner, Billie L. (2010). Vulnerability and resilience: coalescing or paralleling approaches for sustainability science? *Global Environmental Change*, 20(4), 570-576. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0959378010000622>
- Upadhyay, U. D. Gipson, J. D. Withers, M. Lewis, S. Ciaraldi, E. J. Fraser, A. Huchko, M. J. and Prata, N. (2014), Women's empowerment and fertility: A review of the literature, *Social Science and Medicine*, 15: 111-120.
- Varela-Ortega, C., Blanco-Gutiérrez, I., Esteve, P., Bharwani, S., Fronzek, S. and Downing, TE. (2016). How can irrigated agriculture adapt to climate change? Insights from the Guadiana Basin in Spain. *Regional environmental change*, 16(1), 59-70.
- Wallace, C.J., P. D. Johnson., K. Mathe & J. Paul. (2011), Structural and Psychological Empowerment Climates, Performance, and the Moderating Role of Shared Fe It Accountability: A Managerial Perspective, *Journal of Applied Psychology*, Vol.96, No.4, pp.840-850.
- Wikstrom, A. 2013. The Challenge of Change: Planning for social urban resilience. An analysis of contemporary planning aims and practices. <http://www.diva-portal.org/smash/record.jsf?pid=diva2%3A636112&dswid=559>
- World Bank. (2015). Women's economic empowerment in Latin America and the Carribean: Policy lessons from the World Bank gender action Pp 158.
- Xiao-Chen, Y., Yu-Liang,Z., Ju-Liang,J., Yi-Ming, W. 2013. Risk analysis for drought hazard in China: a case study in Huaibei Plain. *NaturalHazards*, 67(2):879–900.
- Young, I, (1990). *Justice and the Politics of Different* (Princeton university Press, Princeton, NJ)
- and Education, Faculty of Agriculture, University of Shiraz. (In Persian).

نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع .. _____ مسلم سواری و همکار

- Zimerman, M (1990). Taking aim on Empowerment' research; on the distinction between individual and Psychological conception American. *Journal of community Psychological*, 18(1), 169-177.
- Zumrah, A. R. (2015). Examining the relationship between perceived rganizational support, transfer of training and service quality in the Malaysian public sector. *European Journal of Training and Development*, 39(2), 143-160.